

# ایمان ما به عیسی

درس  
چهارم

کاهن موعود



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2018 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel<sup>®</sup>. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: ایمان ما به عیسی (درس شماره ۴: کاهن موعود)  
حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

## فهرست مطالب

### (۱) مقدمه

### (۲) پیشینه عهد عتیق

#### ویژگی‌ها

منسوب خدا  
وفادار به خدا

#### کارکرد

رهبری  
آیین و مراسم  
شفاعت

#### انتظارات

بسط تاریخی  
نبوت‌های خاص

### (۳) تحقق در عیسی

#### ویژگی‌ها

منسوب خدا  
وفادار به خدا

#### کارکردها

رهبری  
آیین و مراسم  
شفاعت

#### انتظارات

کاهن اعظم بزرگ  
کاهنی در منصب پادشاه  
مملکتی از کاهنان

### (۴) کاربرد امروزی

#### قربانی

اعتماد

خدمت  
پرستش  
آشتی  
صلح و آرامی  
یگانگی  
خدمت

شفاعت

فرجام‌خواهی  
مدافع

(۵) کاربرد امروزی

## کاهن موعود

### مقدمه

برای بسیاری از ما حتی تصور دعوت شدن برای ملاقات با یک شخصیت مشهور و قدرتمند، بسیار دور از ذهن است. ولی همگی می‌دانیم در برابر آن چه عکس‌العملی نشان خواهیم داد. با خودمان می‌گوییم: «آیا کسی مرا معرفی می‌کند؟ چه باید بپوشم؟ چطور باید رفتار کنم؟ چه باید بگویم؟ چه کسی مرا برای رفتار مناسب در آنجا راهنمایی خواهد کرد؟»

تصور کنید که به بارگاه شکوهمند خدا دعوت شده‌اید. خدایی که همه چیز را آفریده است. این دعوت می‌تواند همانقدر هیجان‌انگیز یا حتی هیجان‌انگیزتر از اینها باشد. «آیا کسی در آنجا مرا به خدا معرفی می‌کند؟ چه باید بکنم؟ چه باید بگویم؟ چه کسی می‌تواند راهنمایی‌ام کند که در حضور خدا باید چه رفتاری داشته باشم؟» خوشبختانه، کسی هست که می‌تواند ما را برای ملاقات با خدا آماده کند، به او معرفی‌مان کند، کاری کند تا خدا به دیده‌ی لطف به ما بنگرد و لازم نباشد از داوری الاهی بترسیم و البته آن شخص کسی نیست جز عیسی مسیح، کاهن اعظم بزرگ ما.

این چهارمین درس از مجموعه دروس ایمان ما به عیسی، با عنوان «کاهن موعود» است. در این درس، تحقیق مقام کتاب مقدسی کاهن توسط عیسی، به عنوان میانجی عهد میان خدا و قوم او را بررسی خواهیم کرد. همان طور که در درس‌های گذشته دیدیم، خدا سه مقام و مسئولیت را در عهد عتیق پایه‌گذاری کرد تا به وسیله آنها پادشاهی خود را اداره کند: مقام نبی، کاهن و پادشاه. و در مرحله نهایی پادشاهی خدا، که آن را عصر عهد جدید می‌نامیم، همه این مقام‌ها نهایتاً در عیسی تحقق می‌یابند. به همین دلیل، مطالعه اهمیت و کارکرد این سه مقام در طول تاریخ ما را یاری می‌دهد تا موقعیت کنونی عیسی در پادشاهی خدا و همچنین برکات و وظایف پیروان وفادار او را دریابیم. در این درس بر مقام کهانت عیسی متمرکز می‌شویم. تعریف ما از کاهن چنین است:

کسی که میانجی خدا و قوم اوست تا خدا ایشان را در حضور مقدس و خاص خود بپذیرد و برکت‌شان دهد.

همه ما می‌دانیم خدا در همه وقت و همه جا به طور غیرمحسوس، حضور دارد. اما در زمان‌ها و مکان‌های خاصی او خود را به روش‌های مشخص و محسوس نمایان می‌کند. به طور مثال، او در بارگاه آسمانی خود با شکوه

و درخشندگی ظاهر می‌شود و گاهی بر روی زمین نیز خود را نمایان می‌سازد. هرگاه به عنوان آفریدگان به تجلی حضور او نزدیک می‌شویم، باید به شایستگی آماده باشیم، معرفی و هدایت شویم، تا پذیرش و برکات الاهی شامل حال مان شود. در کتاب مقدس، اینگونه آماده‌سازی، معرفی و هدایت، وظیفه کاهنان بود.

مانند درسی که درباره مقام نبوت عیسی داشتیم، در این درس نیز برای مقام کهانت عیسی، به سه مبحث اصلی خواهیم پرداخت. اول، پیشینه مقام کهانت در عهد عتیق را بررسی می‌کنیم. دوم، تحقق این مقام را در شخصیت و کار عیسی می‌کاویم. و سوم، کاربرد امروزی کار کهانتی عیسی را بررسی خواهیم کرد. بیایید ابتدا به پیشینه عهد عتیق در مورد مقام کهانت عیسی نگاهی بیندازیم.

### پیشینه عهد عتیق

وقتی مسیحیان به موضوع کهانت در عهد عتیق فکر می‌کنند، فوراً هارون و نسل او را به خاطر می‌آورند که در لاویان باب‌های ۸-۹، به عنوان کاهن در روزگار موسی منصوب شدند.

ولی لازم است به یاد داشته باشیم، حتی پیش از روزگار موسی، کاهنانی بودند که خدا را خدمت می‌کردند. به طور کلی، حتی پیش از سقوط انسان، خدا آدم، پدر نسل بشر را به کهانت منصوب کرد. و پس از آدم، از این دیدگاه کلی، اصولاً تمامی افراد بشر خوانده شدند تا کاهنان خدا باشند.

به معنای دقیق‌تر، افرادی مانند ملک‌یصدق را در زمان ابراهیم می‌یابیم که در پیدایش باب ۱۴ مورد اشاره قرار گرفته است. او پادشاه و کاهن سالیم بود. ایوب باب ۱ بیان می‌کند که ایوب شخصاً به عنوان کاهنی برای خانواده‌اش عمل می‌کرد. و بر اساس خروج باب ۳، یترون پدربزرگ موسی، کاهن خدا در مدیان بود.

نهایتاً، خدا کهانت رسمی و انحصاری را برقرار کرد که در آن هارون و نسل او جایگزین همه اشکال دیگر کهانت شدند. ولی همه این افراد گوناگون، کاهنان حقیقی خداوند بودند. و هرکدام از آنها بخشی از پیشینه عهد عتیق کهانت عیسی محسوب می‌شوند.

پیشینه مقام کهانت در عهد عتیق را به سه روش مورد کنکاش قرار خواهیم داد. اول، به ویژگی‌های کاهنان نگاهی می‌اندازیم. دوم، کارکرد آنها را بررسی می‌کنیم. و سوم، به انتظاراتی که عهد عتیق از آینده خدمت کهانت به وجود آورد، خواهیم پرداخت. بیایید ابتدا به ویژگی‌های کاهنان در عهد عتیق نگاهی بیندازیم.

### ویژگی‌ها

کاهنان باستان باید ویژگی‌های خاصی می‌داشتند، ولی فقط به دو مورد از آنها می‌پردازیم که در کلام خدا مورد تأکید قرار گرفته است. اول، خواهیم دید که کاهنان را خدا منصوب می‌کرد. و دوم، به ضرورت وفاداری آنها به خدا خواهیم پرداخت. بیایید ابتدا با انتصاب کاهنان توسط خدا برای خدمت به او در این مقام کار را شروع کنیم.

### منصوب خدا

در عهد عتیق، تنها خدا می‌توانست هر کاهنی را منصوب کند. کاهنان هرگز خود را بر نمی‌گزیدند. کسی نمی‌توانست با رای‌گیری انتخاب شود. پادشاهان و حاکمان نمی‌توانستند آنها را تعیین کنند. به خروج ۲۸: ۱ توجه کنید که خدا به موسی فرمود:

برادر خود، هارون و پسرانش را با وی از میان بنی‌اسرائیل نزد خود بیاور تا برای من کهانت بکند، یعنی هارون و ناداب و ابیهو و العازار و ایتامار، پسران هارون (خروج ۲۸: ۱).

دستورالعمل‌های مبسوطی که در ادامهٔ خروج باب ۲۸ آمده نشان می‌دهد که منصوب شدن از سوی خدا قسمت لاینفک انتصاب هارون به عنوان کاهن اعظم بود. اعداد ۱۸: ۲۲-۲۳ تا آنجا پیش می‌رود که اگر کسی از قبایل دیگر اسرائیل بخواهد کار کاهن را انجام دهد، خواهد مُرد. عبرانیان ۵: ۱، ۴ بر این مطلب صحنه می‌گذارد:

هر کاهن اعظم از میان آدمیان انتخاب می‌شود و به نمایندگی آدمیان در امور الهی منصوب می‌گردد تا هدایا و قربانی‌ها به جهت گناهان تقدیم کند... هیچ‌کس خود این افتخار را از آن خویش نمی‌سازد، بلکه این افتخار زمانی نصیب شخص می‌شود که خدا او را همانند هارون فراخواند (عبرانیان ۵: ۱، ۴ ترجمهٔ هزارهٔ نو).

همین اصل نه تنها برای کاهن اعظم، بلکه برای همهٔ کاهنان عهد عتیق صادق بود. کاهنان به غیر از منصوب شدن از سوی خدا، باید وفاداری خود را به خدا نشان می‌دادند تا شایستگی این مقام را می‌یافتند.

### وفادار به خدا

چون کاهنان اغلب در کنار حضور خاص خدا در خیمه آسمانی و هیكل مشغول خدمت بودند، می‌بایست وفاداری خاص خود را به وسیلهٔ پرستش و خدمتی که فقط به خدا می‌کردند، و نیز انجام دقیق وظایف‌شان، به وی ثابت می‌کردند. آنها همچنین با انجام این کارها، وفاداری قوم را به خداوند تضمین می‌کردند، تا قوم خدا بتوانند به حضور قدوس خدا وارد شوند.

از کهانت عهد عتیق متوجه میشیم که کاهنان باید از قوانین خیلی مخصوصی پیروی میکردن و حتی باید به روش خاصی آتش قربانی رو تقدیم میکردن، و از راه مشخصی حیواناتی که برای قربانی آورده میشدن، از لحاظ بی‌نقص

و بی‌عیب بودن بازرسی می‌کردن، چون خدا اینطور انتظار داشت. و کاهن باید لباس‌های مخصوصی می‌پوشید، به طرز خاصی شستشوها رو انجام میداد؛ کتاب عبرانیان تاکید میکنه که همهٔ جزئیات، از جمله خیمهٔ آسمانی و همهٔ لوازم داخل اون از طرف خدا طراحی شده بود چون اونها مظهر اونچه نویسنده «مسکن یا خیمهٔ آسمانی» میخونه بودن، که همون حضور خداست. بنابراین، کاهنان نمایندگان خداوند عیسی مسیح‌اند. کاهنان مظهر قدوسیت و رضایتی هستند که برای آمرزیده شدن ما باید به خدا تقدیم بشه. پس همهٔ ترتیبات کهنانت، و قوانین کهنانت، داده شد تا کمال مسیح رو برای ما آشکار کنه و اینکه اون واقعا باید گناهان قوم خودش رو متحمل بشه. لباس‌هایی که اونها میپوشیدند و اسامی قبیله‌ها که روی اونها نوشته شده بود و بی‌عیب بودن قربانی‌ها، همه و همه به ما نشون میده که این موضوع تا چه حد برای خدا جدی‌ست، قدوسیت او چه اندازه‌ای داره، و وقتی به خط پایان میرسیم، در واقع فقط یک راه برای از راه رسیدن نجات وجود داره. اگر کوچک‌ترین سهل‌انگاری در اون راه وجود داشته باشه، کار ما ساخته است و رضایتی در کار نیست. پس قوانین کهنانت در جا انداختنِ جدی بودنِ قدوسیت و عدالت خدا و یگانگی قربانی مسیح در ذهن ما، اهمیت زیادی داره.

- دکتر توماس نیتلز

یکی از بهترین مثال‌ها در مورد ضرورت مقدس بودن کاهنان در لاویان ۱۰: ۱-۲ آمده است. در آنجا خدا دوکاهن یعنی ناداب و ابیهو را به خاطر قربانی غیرمقدس آنها کُشت. و در اول سموئیل باب ۴، کاهنان، حُفنی و فینحاس، به دلیل بی‌اعتنایی به خداوند مُردند.

علاوه بر این مثال‌ها، قسمت‌های مختلف کلام خدا مانند مزمو ۱۳۲: ۹ و مراثی ارمیا ۴: ۱۱-۱۳ روشن می‌سازند که اگر کاهنان کورسوی امیدی برای آماده‌سازی و هدایت قوم خدا برای ورود به حضور مخصوص خدا و دریافت برکات الهی داشتند، باید خودشان به خدا وفادار می‌بودند. در غیر این صورت، نزدیک شدن به خدا منجر به داوری شدید آنها می‌شد.

پس از ملاحظهٔ ویژگی‌های کاهنان در عهد عتیق، بیایید نگاهی به کارکرد آنها بیندازیم.

## کارکرد

به سه جنبه از کارکرد کاهنان خواهیم پرداخت. اول، به شیوهٔ رهبری آنها نگاهی می‌اندازیم. دوم، مراسمی که اجرا می‌کردند را بررسی می‌کنیم و سوم، به شفاعت ایشان برای دیگران می‌پردازیم. بیایید کارمان را با رهبری کاهنان شروع کنیم.



## رهبری

کاهنان عهد عتیق به روش‌های مختلفی قوم خدا را رهبری می‌کردند. ولی ما در راستای اهدافمان خلاصه‌ای از این شیوه‌ها را تحت سه عنوان ارائه می‌کنیم. اول، پرستش، یکی از اصلی‌ترین قسمت‌هایی بود که کاهنان رهبری آن را برعهده داشتند.

پرستش بخش مهمی از آماده‌سازی و رهبری قوم خدا برای ورود به حضور خاص قدوس الاهی بود. در اسرائیل، کاهنان و لاویان سرپرستی تمامی پرستش‌های ملی، از جمله اعیاد سالیانه اسرائیل را برعهده داشتند. آنها همچنین پرستش روزانه در خیمه اجتماع و هیکل، و نیز عبادت‌های مخصوص هفتگی در روز سبت را رهبری می‌کردند. شرکت کنندگان را در ستایش خداوند و سرودها هدایت می‌کردند. اینگونه جزئیات را در قسمت‌هایی مانند اول تواریخ باب ۱۵؛ دوم تواریخ باب‌های ۷، ۸، ۲۹ و ۳۰؛ و نحمیا باب ۱۲ می‌یابیم.

دوم، کاهنان رهنمودهای خاصی را نیز به شکل قضاوت و داوری مدنی و مذهبی ارائه می‌دادند. آنها پیش از هرچیز این مسئولیت را با به کار بردن شریعت خدا در شرایطی که با آن روبرو می‌شدند، انجام می‌دادند. به این موضوع در قسمت‌های مختلفی از جمله خروج ۲۸: ۲۹-۳۰، اعداد ۲۱: ۲۷، تثنیه ۲۱: ۵ و حزقیال ۴۴: ۲۴ اشاره شده است.

به طور مثال، به آنچه موسی در توصیف داوری مدنی کاهنان در تثنیه ۱۷: ۸-۹ می‌گوید، گوش دهید:

ممکن است که بعضی از دعاوی برای قضاوت محل قضاوتش بسیار دشوار باشد، مانند حق مالکیت، صدمات بدنی و یا تفاوت بین قتل خواسته یا ناخواسته. در این صورت به مکانی که خداوند برای پرستش خود برگزیده، بروید. آنگاه دعوی خود را نزد کاهن و قاضی وقت ببرید و بگذارید تا ایشان قضاوت کنند. (تثنیه ۱۷: ۸-۹، ترجمه مؤده).

آن‌طور که این متن بیان می‌کند، دعاوی قانونی معمولاً در دادگاه‌های محلی حل و فصل می‌شد. ولی در موارد خاص مشکل، افراد می‌توانستند به نزد کاهنان یا قاضیان مخصوصی بروند که حکم صادر می‌کردند. در واقع، در خروج باب ۱۸، یترون کاهن مدیانی شخصا به موسی دستورالعمل لازم برای سازماندهی دادگاه‌ها و قضاوت اسرائیل را داد. کهانت یترون به او اقتدار انجام این امور را می‌داد.

تصمیمات و رهنمودهای کاهنان همچنین شامل واری، تفسیر و قضاوت در موارد مربوط به سلامتی و قدوسیت نیز می‌شد. کاهنان وجود برص در خانه‌ها را واری می‌کردند، بیماری‌ها را تشخیص می‌دادند، و پاکی یا عدم پاکی افراد یا اشیاء را براساس شریعت خدا اعلام می‌کردند. فهرستی از این دسته از وظایف کهانت در قسمت‌هایی مانند لاویان باب‌های ۱۱-۱۵ آمده است.

اینها امور کهنانتی بودند چون مسائل مربوط به سلامت شخصی و عمومی به عنوان بخشی از لعنت خدا علیه گناه آدم وارد جهان شد، که در آن آدم از حضور خاص خدا در باغ عدن بیرون رانده شد. لعنت جهانی مرگ در پیدایش ۳: ۱۹ برقرار شد. این داوری عمومی شامل امور مربوط به سلامت نیز می‌شد، همان طور که در قسمت‌هایی مانند لایوان ۲۶: ۱۶ و تثنیه ۲۸: ۲۱-۲۸ مشاهده می‌کنیم. به همین دلیل، مسائل مربوط به سلامتی نقش مهمی در آماده‌سازی اسرائیلیان برای نزدیک شدن به خدا و کسب برکات او، ایفا می‌کرد.

سومین طریق رهبری کاهنان، تعلیم کلام خدا به مردم بود، همان طور که در دوم تواریخ ۳۵: ۳، نحمیا باب ۸ و ملاکی باب ۲ آمده است.

به عنوان مثال، به سخنان خداوند در ملاکی ۲: ۷ توجه کنید:

زیرا لب‌های کاهن می‌باید معرفت را پاس دارد، تا تعلیم را از دهانش بجویند، زیرا که او پیام‌آور خداوند لشکرها است (ملاکی ۲: ۷، هزاره نو).

تعالیم غلط، یکی از نتایج گناه در جهان است، و تخطی از کلام خدا باعث می‌شد مردم شایستگی ورود به حضور خاص الاهی را نداشته باشند. پس به کاهنان وظیفه تعلیم کلام خدا داده شد تا قوم خدا را برای ورود به حضور قدوس و مخصوص الاهی به روشی که منجر به برکت الاهی شود، آماده و رهبری کنند. پس از بررسی رهبری کاهنان، بیابید نگاهی به مراسمی بیندازیم که آنها برای قوم‌شان برگزار می‌کردند.

## آیین و مراسم

در زندگی ایمانداران عهد عتیق، اعیاد مختلف، نگه داشتن سبت، تقدیم قربانی‌ها، همگی نقش بسیار مهمی داشتند. در درجه اول، اینها برای اسرائیل یادآور اون بود که زندگیشان به عنوان قوم خدا، به اونها هدیه داده شده بود. مثلاً عید پسخ به یادشون می‌آورد که زمانی در مصر برده بودن، و فقط و فقط خدا اونها رو آزاد کرد. و فقط آزادیشون رو به یاد اونها می‌آورد، چون اونها از مصر آزاد شدن تا به سینا برن و خدا عهد خودش رو با اونها برقرار کنه. پس اعیاد اسرائیل به خاطر یادآوری اینکه فقط و فقط خدا اونها رو خونده تا قوم او باشن، و خاطرنشان کردن کارهای مقتدرانه خدا برای نجات اونها برپا می‌شد. سبت‌ها برای یادآوری دو نکته برگزار میشد، اینکه جهان از آن بیهوده‌ست و اینکه اونها خودشون رو به وجود نیآورده‌اند، و خودشون رو از بندگی آزاد نکرده‌اند. موسی در خروج میگه: «سبت رو نگه دارید، چون در روز سبت خدا استراحت میکنه.» در کتاب تثنیه، موسی میگه سبت رو نگه دارید چون نه تنها خدا در روز سبت آرامی یافت، بلکه یادتون باشه که شما زمانی در مصر برده بودید. پس همه این اعیاد برای یادآوری اونچه

خدا برای رهاییشون کرده بود و یادآوری اینکه فقط به خاطر نیکویی و فیض خدا نسبت به اونها بوده که قوم خدا شده‌اند، برپا میشد و با انجام مداوم اونها زندگیشون شکل میگرفت، خودشناسیشون شکل میگرفت تا با وفاداری و زندگی همراه با اطاعت، اعتماد، محبت و خدمت به خدا واکنش نشون بدن.

- دکتر استیو بلیک‌مور

کاهنان در روزگار موسی، و بعدها در زمان داوود، مراسم گوناگونی را رهبری می‌کردند که به منظور آماده‌سازی قوم خدا برای ورود به حضور خاص الاهی طراحی شده بودند. این مراسم در بر دارندهٔ زمان‌ها، اتفاقات و اشیای مقدس بودند، همان‌طور که در قسمت‌هایی مانند لاویان باب‌های ۱-۷ و ۲۳؛ اعداد باب‌های ۱۸-۱۹؛ اول تواریخ باب ۲۳؛ و دوم تواریخ باب ۸ می‌بینیم.

اغلب اوقات این مراسم در اطراف مکان‌های مقدس برپا می‌شدند - مکان‌هایی که حضور خاص الاهی در آنها ظاهر می‌شد و قوم او را می‌پرستیدند. مثلاً، اطمینان یافتن از اینکه فضای خیمهٔ اجتماع یا هیکل تا حد امکان زیبا و بی‌نقص باشد تا شایستگی جلوس خدا با جلال مخصوص و قابل رویت‌اش باشد، از وظایف کاهنان محسوب می‌شد. مطالب مربوط به این موضوع را در قسمت‌هایی مانند لاویان ۲۴: ۱-۹؛ اعداد باب‌های ۳-۴؛ و اول تواریخ ۲۴: ۳۲-۳۵ می‌خوانیم.

اما شاید شناخته‌شده‌ترین شکل آیینی خدمت کهنانت، تقدیم قربانی‌ها بود. قربانی‌ها با اهداف مختلفی از ابراز شکرگزاری و تجربهٔ مشارکت گرفته تا کفارهٔ گناه تقدیم می‌شدند. بعضی از آنها به طور معمول در فواصل معینی تقدیم می‌شدند، مثلاً قربانی‌های روزانهٔ صبحگاهی و شبانه‌گاهی، و قربانی سالیانهٔ روز کفاره. سایر قربانی‌ها در شرایط خاصی مثل ارتکاب گناه تقدیم می‌شدند. قربانی‌های دیگر بنا به درخواست پرستش‌کنندگان، به عنوان قربانی‌های داوطلبانه آورده می‌شدند. قربانی‌های گوناگون توصیه شده در قسمت‌هایی مانند لاویان باب‌های ۱-۷ و ۱۶ فهرست‌وار آمده‌اند.

از میان همهٔ کارکردهای کاهنان در مراسم مختلف، برجسته‌ترین خدمت خود عیسی، تقدیم قربانی‌ها بود - مخصوصاً قربانی کفارهٔ گناه. پس بیش از همه بر روی آنها متمرکز می‌شویم.

امروزه اغلب مفهوم قربانی برای ما، دست کشیدن از چیزی با ارزش، به منظور دستیابی به چیزی ارزشمندتر است. در عهد عتیق، قربانی‌هایی که تقدیم می‌شد به خاطر آن نبود که خدا احتیاجی به آنها داشت. تقدیم قربانی به قوم خدا اجازه می‌داد چیزی با ارزش را هدیه کنند تا آنچه ارزشمندتر بود - مثلاً آموزش گناهان را به دست آورند. قربانی‌ها به ایمانداران اجازه می‌داد تا خدا را بپرستند، سرسپردگی خود را به او ابراز کنند و حتی شکرگزاری‌شان برای مواهب الاهی را نشان بدهند. البته قرار بر این بود که قربانی‌ها همواره بیانگر ایمان باشند و

با نیت درست تقدیم شوند. خدا حتی قربانی‌هایی را که از صمیم قلب تقدیم نمی‌شدند، نمی‌پذیرفت. اثربخشی قربانی‌ها همواره وابسته به پاکی قلبی کسی بود که آنها را به خدا تقدیم می‌کرد.

قربانی‌های کفاره، حتی پیش از اینکه قوانین تشریفاتی مبسوط آنها توسط موسی ارائه شود، قسمت مهمی از خدمت کهانت را تشکیل می‌دادند. به عنوان مثال، در ایوب باب ۱، ایوب حیواناتی را از جانب فرزندانش قربانی کرد مبادا ناخودآگاه مرتکب گناهی در طی جشن‌شان شده باشند. در واقع، قدمت قربانی‌های کفاره به سقوط انسان در گناه می‌رسد. وقتی آدم و حوا مرتکب اولین گناه شدند، خدا قربانی کفاره را پایه گذاشت و توسط آن گناهان را آمرزید و با قوم خود آشتی برقرار کرد. شرح این نوع قربانی در قسمت‌هایی مانند لاویان باب‌های ۴-۶، و اعداد ۱۵: ۲۵-۲۸ آمده است.

مقصود کلی از کفاره تقریباً مشخص است: به خاطر گناه نسل بشر، همه انسان‌ها مستحق مجازات هستند. به منظور دوری از این مجازات، پرستندگان خدا، قربانی‌هایی را تقدیم می‌کردند که مجازات الهی را به جای آنها متحمل شوند. الهی‌دانان اغلب به این موضوع به عنوان «کفاره نیابتی» اشاره می‌کنند زیرا قربانی جایگزین پرستنده در مراسم کفاره می‌شود.

در سرتاسر عهد عتیق، تمامی قربانی‌های کفاره نمادین بودند. خدا به واسطه قربانی‌های کفاره قوم خود را می‌آمرزید، اما این آمرزش بر اساس ارزش یا استحقاق خود قربانی نبود. اثربخشی قربانی‌های عهد عتیق فقط به دلیل اشاره آنها به آینده و جوهره و شایستگی قربانی عیسی در عهد جدید بود.

عهد جدید شرح می‌دهد که قوم خدا هرگز به طور دائم بر مبنای قائم به ذات قربانی‌های عهد عتیق، از گناهشان آمرزیده نمی‌شدند. قربانی‌های گناه تنها داوری الهی را به تعویق می‌انداختند و لازم بود پشت سر هم تجدید شوند. مرگ مسیح بر صلیب تنها قربانی‌ای بود که خدا به طور کامل به عنوان بهای دائمی گناهان پذیرفت. خدا نظام قربانی‌های عهد عتیق را به عنوان وسیله‌ای برقرار کرد که از طریق آن با فیض خود شایستگی مرگ مسیح را برای ایمانداران عهد عتیق به کار برد.

وقتی قربانی‌های کفاره به نیابت از ایمانداران وفادار تقدیم می‌شد، دست کم دو نتیجه مهم داشت، که هر دو آنها برای اثربخشی خود، متکی به قربانی مسیح در آینده بودند. اولین نتیجه‌ای که به آن اشاره می‌کنیم، «خطاپوشی» است.

خطاپوشی اشاره به اثرگذاری قربانی بر عبادت کننده دارد؛ که عبارت از برداشتن تقصیر گناه از پرستندگان است. به این ترتیب آنها از غضب الهی که قرار بود بر آنان فرو بیارد، حفظ می‌شوند. از طریق خطاپوشی، مجازات گناه پرستندگان بر جایگزین قرار می‌گیرد، تا آنها از داوری خداوند محافظت شوند.

به اصطلاح مزبور، در قسمت‌هایی اشاره شده که در آنها گفته می‌شود گناه «پوشانده» یا «پنهان» شده است، مانند ایوب ۱۴: ۱۷، و مزمور ۳۲: ۱، ۵. این کلمه همچنین در متونی به چشم می‌خورد که درباره «برداشته

شدن» گناه یا تقصیر صحبت می‌کنند، مثل لاویان ۱۰: ۱۷، مزمور ۲۵: ۱۸، و اشعیا ۶: ۷؛ همچنین در قسمت‌هایی که درباره «انتقال» گناه به یک جایگزین سخن می‌گویند، مانند اشعیا ۵۳: ۶.

دومین نتیجه قربانی‌های کفاره‌ای برای ایمانداران، «رضامندی» خداست. رضامندی به تأثیرگذاری قربانی بر خدا اشاره دارد. رضامندی، عدالت خدا نسبت به گناه را به جا می‌آورد و غضبش را فرو می‌نشانند. رضامندی نشان می‌دهد که غضب خدا جایی برای ابراز می‌یابد و رضایت او فراهم می‌شود. به همین دلیل، خدا بدون کنار گذاشتن عدالت خود قادر به ابراز رحمت و محبت نسبت به پرستنده می‌شود.

در متونی که درباره رفع غضب خدا یا کنار گذاشتن آن صحبت می‌شود، به «بازگشت از خشم یا غضب» بر می‌خوریم، مانند اعداد ۲۵: ۱۱-۱۳ و تثنیه ۱۳: ۱۶-۱۷.

نظام قربانی عهد عتیق به طرز عالی حقایق زیادی رو درباره خدا، و مخصوصاً رحمت او، نمایان می‌کنند. ما اغلب اون رو به عنوان تهیه حیواناتی به نیابت از انسانها برای رفع ناخشنودی، لعن و غضب خدا میبینیم. اما فراموش نکنیم که انگیزه اصلی این نظام، از سر محبت و رحمت خداست - در یادآوری موضوع رحمت، باید بدونیم او بر ما رحم کرده - و همچنین فیض الاهی‌ست چون ما لایقش نبودیم. لاویان ۱۷: ۱۱ بسیار بسیار اهمیت داره که نباید به نظام قربانی طوری نگاه کرد که انگار قوم اسرائیل به نوعی این نظام رو برای راضی نگه داشتن خدا از خودشون درست کرده باشن. نه، این ابتکار پرمحبت خدا بود تا راهی برای مسکن گرفتن او در بین قوم به وجود بیاد. و اونها قادر به سکونت در حضور او میشدن. اونها قوم او میشدن و او خدای اونها. همه اینها نمایشی از رحمت، محبت و فیض خدا بود. و نهایتاً همه اینها اشاره به تدارک الاهی در عیسای مسیح داشت که تحقق این نظام بود. تا در او همه نمادهای قربانی‌ها به حقیقت پیونده تا ما خدا رو در مفهوم عهد جدید بشناسیم. حالا ما از طریق قربانی اعظمون، یعنی خداوند عیسای مسیح دسترسی مستقیم به حضور خدا داریم.

- دکتر استفن ولوم

نظام قربانی عهد عتیق به روش‌های مختلف نشون‌دهنده رحمت خداست، ولی یکی از نمونه‌های برتر این روش‌ها روز کفاره بود، وقتی در قلب خیمه آسمانی یا هیکل، که قدس‌الاقداص خونده میشد، صندوق عهد قرار داشت و داخل اون ده فرمان بود و در بالای اون صندوق، تخت فیض قرار میگرفت. و در روز کفاره، کاهن اعظم خون بره رو می‌آورد و بره رو روی مذبح بیرون معبد یا مسکن قربانی میکرد، بعد از بین پرده وارد قدس‌الاقداص میشد و اون خون رو روی صندوق میپاشید. تصور اونها این بود که با پوشونده شدن شریعتی که نقض شده، به وسیله خون بره، خدا رحمت خواهد کرد. البته اون مراسم اشاره به این واقعیت داشت که خون عیسای مسیح اون بره حقیقی، ما رو

که شریعت رو نقض کرده‌ایم، میپوشونه. اما به رحمت خدا بر خونی که ما نقض کنندگان شریعت رو میپوشونه، دقت کنید.

- دکتر فرانک بارکر

با درکی که از رهبری و انجام مراسم کاهنان در ذهن داریم، آماده‌ایم تا به کار شفاعت کاهنان را برای قومی که نمایندگی آنها را برعهده داشتند، بپردازیم.

### شفاعت

می‌توان شفاعت را به عنوان میانجی‌گری، یا درخواست مرحمت برای شخصی دیگر، تعریف کرد. شفیع کسی است که وقتی شما به زحمت می‌افتید جانب شما را می‌گیرد و از شما دفاع می‌کند، یا کسی که در جدال‌های میان شما و طرف مقابل تان، برای صلح بین شما تلاش می‌کند.

کاهنان عهد عتیق اغلب به وسیله رهبری و هدایت، و همچنین به واسطه انجام آیین و مراسمی که خدا آنها را برای اجرای‌شان منصوب کرده بود، شفاعت می‌کردند. مثلاً، در زمان مجادلات قانونی میان افراد، و وقتی قربانی کفاره را می‌گذراندند میان خدا و مردم، به شفاعت و میانجی‌گری مشغول بودند. ولی کاهنان به روش‌های دیگری نیز شفاعت می‌کردند.

یکی از اشکال معمول شفاعت، درخواست کمک بود. کاهنان اغلب در دعا از خدا شفا، رهایی و یا مددسانی به قومش را طلب می‌کردند. مثال‌هایی از این مورد را در اول سموئیل ۱: ۱۷ و اول تواریخ ۴: ۱۶ می‌یابیم. به عنوان نمونه به گزارش شفاعت ایوب برای فرزندانش در ایوب ۱: ۵ گوش دهید:

بعد از پایان مهمانی، ایوب صبح زود بر می‌خاست و برای طهارت فرزندانش خود قربانی تقدیم می‌کرد. او این کار را به این سبب می‌کرد که اگر فرزندانش ندانسته در پیشگاه خدا گناهی کرده باشند، گناهانشان بخشیده شود. (ایوب ۱: ۵، ترجمه مؤده)

ایوب به عنوان کاهن خانواده‌اش، برای فرزندانش خود شفاعت می‌کرد تا آنها را از عواقب گناهشان محافظت کند.

یکی دیگر از اشکال معمول شفاعت، اعلام برکت بود. وقتی کاهنان مردم را برکت می‌دادند از خدا می‌خواستند تا به ایشان مرحمت کند. این موضوع را در مورد ملکیمصدق وقتی ابراهیم را در پیدایش ۱۴: ۱۹-۲۰

برکت داد، و همچنین در برکتی که به کاهنان آموخته می‌شد تا بر قوم اعلام کنند، در اعداد ۶: ۲۲-۲۷ می‌بینیم. مثلاً به این قسمت از دوم تواریخ ۳۰: ۲۷ گوش دهید:

لاویان کاهن برخاسته، قوم را برکت دادند، و آواز ایشان شنیده شد و دعایشان به مسکن قدس خدا در آسمان رسید.  
(دوم تواریخ ۳۰: ۲۷، هزاره نو)

وقتی متن می‌گوید خدا صدای‌شان را شنید، یعنی خدا به شفاعت کاهنان احترام گذاشت و نسبت به قومی که آنها برکت داده بودند، مرحمت کرد. طنین این جنبه از خدمت کههانت را اغلب در خاتمه جلسات پرستش کلیسایی در دعای برکت کشیشان می‌شنویم. حتی در بسیاری از کلیساها، اولین برکتی که به هارون در اعداد باب ۶ داده شده، هر بار تکرار می‌شود.

همان‌طور که دیدیم، کارکردهای کاهنان بسیار متنوع بود. آنها رهبری می‌کردند، مراسم مختلف را هدایت می‌کردند و به شفاعت می‌پرداختند. اما همه این عملکردهای مختلف پیوسته و متحداً یک هدف را دنبال می‌کردند. همه آنها به این منظور طراحی شده بودند تا به قوم خدا شایستگی زندگی در حضور خاص الاهی را بدهند تا آنها همه برکات عهد خدا را دریافت کنند.

پس از بررسی ویژگی‌ها و کارکرد کاهنان، بیایید کمی به انتظاراتی که عهد عتیق از خدمات کهانتی آینده داشت، توجه کنیم.

### انتظارات

در روزگار عهد عتیق، مقام کهانت پویا و متغیر بود. وظایف و مسئولیت‌های خاص کاهنان در طول زمان تغییر می‌کرد. کهانت ملک‌یصدق دقیقاً مثل ایوب نبود. کهانت ایوب با یترون تفاوت داشت و کهانت یترون نیز مانند هارون و نسل‌های او نبود و عهد عتیق به تغییرات بیشتری در آینده نیز اشاره می‌کند.

برای درک انتظاراتی که کهانت عهد عتیق از کهانت آینده داشت، به دو موضوع خواهیم پرداخت. اول بسط تاریخی این مقام را در سرتاسر عهد عتیق بررسی می‌کنیم. و دوم، بر بعضی نبوت‌های خاص در مورد آینده مقام کهانت متمرکز می‌شویم. بیایید کارمان را با بسط تاریخی مقام کهانت شروع کنیم.

### بسط تاریخی

از آنجایی که همواره انسان‌ها نیازمند دستیابی به حضور خاص و قدوس خدا بوده‌اند، همیشه احتیاجی به کارکردهای کهانتی وجود داشته است. در واقع، کاهنان همواره در نقشه بلندمدت خدا برای بشریت و آفرینش، نقش

اساسی داشته‌اند. اما از لحاظ تاریخی، نقش کاهنان گاهی بنا بر شرایط متفاوت قوم خدا، دستخوش تغییراتی شده است.

از زمان آفرینش به بعد، تغییر نقش کاهنان را در چهار مرحله متفاوت تاریخی، بررسی خواهیم کرد.

**آفرینش.** یعنی زمانی که خدا با آدم عهد بست. باغ عدن که انسان‌ها در آن اقامت داشتند، به خودی خود محلی مقدس بود که در آن خدا با قومش صحبت می‌کرد و قدم می‌زد. در این برهه از زمان، آدم و حوا با روش‌هایی شبیه خدمت کاهنان نسل هارون در خیمه و هیکل، در خدمت خدا بودند. به همین دلیل می‌توان گفت که مقام کهنات به قدمت خود بشریت است. به آنچه موسی در پیدایش ۲: ۱۵ نوشته است، گوش کنید:

سپس خداوند آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن زراعت کند و آن را نگهداری نماید. (پیدایش ۲: ۱۵، ترجمه مؤده).

موسی در این متن، کار آدم و حوا را در آن باغ با کلمات عبری «آواد» به معنی «کار»، و «شامار» به معنی «نگاهداری» توصیف می‌کند. در اعداد ۳: ۷-۸ او از همین ترکیب کلمات برای توصیف کار لایان در خیمه آسمانی استفاده می‌کند. معادل‌های تحت‌اللفظی دیگری را نیز در قسمت‌هایی مثل پیدایش ۳: ۸ و دوم سموئیل ۷: ۶ می‌توان مشاهده کرد.

موسی با استفاده از کلمات مشابه برای کار انسان در باغ عدن و کار کاهنان در خیمه، نشان می‌دهد که آدم و حوا کاهنان اولیه بوده‌اند، و هدف از ایجاد مکان‌هایی مثل خیمه و هیکل، تحقق همان کاری بود که در باغ عدن انجام می‌شد. در واقع، بسیاری از متخصصین گفته‌اند که چینش و تزئینات خیمه و هیکل به طور مشخص برای یادآوری باغ عدن طراحی شده بود.

به هر حال، کهنات انسان در عدن شامل خدمت به خدا در باغ مقدس او، نگهداری از آفریدگان مقدس‌اش، و اطمینان یافتن از اینکه آن مکان مقدس مناسب سکونت او هست، می‌شد. از این گذشته خدا به آدم، حوا و نسل آنها فرمود تا مملکتی از کاهنان شوند و کارشان را تا اقصای جهان گسترش دهند.

به سخنان خدا به انسان‌ها در پیدایش ۱: ۲۸ توجه کنید:

بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید. (پیدایش ۱: ۲۸)



فرمان خدا مبنی بر پُرساختن و تسلط بر زمین معمولاً «فرمان فرهنگی» خوانده می‌شود، زیرا بشریت را متعهد به عمران و آبادانی تمامی جهان می‌سازد تا اینکه شبیه باغ عدن شود. از دیدگاه کهناتی، وظیفه بشریت تبدیل کل جهان به مکانی مقدس برای خدا و خدمت جاودانی به اوست.

خدا انسان‌ها را بدون دلیل به صورت خودش نیافرید. او به ما فرمانی داد که معمولاً «فرمان فرهنگی آفرینش» خوانده می‌شود. بهتره به این فرمان نه تنها از منظر تسلطمون بر زمین، که معمولاً اون رو نوعی حاکمیت قلمداد می‌کنیم و می‌خواهیم پادشاهی کنیم، بلکه با دید کهنات هم نگاه کنیم. هرچند در باب ۲ پیدایش هنوز گناه وارد جهان نشده بود، اما در اونجا تصاویری از عدن به عنوان نوعی هیکل میبینیم، باغی مقدس، که نقش ما در آفرینش توسعه مرزهای اون تا اقصای زمین بود. سرانجام این موضوع با اومدن مسیح در آسمان‌ها و زمین جدید تحقق پیدا می‌کنه. در قلب این موضوع هم کار کاهن، پرستش هست، تا هرچه می‌کنیم برای جلال خدا باشه و فرمان آفرینش رو به انجام برسونیم. خدمت و اون دو ایده در کنار کار کهنات، و همچنین به نوعی کار پادشاهی قرار میگیرن. پس فرمان فرهنگی آفرینش ما اینه که مباشر باشیم، آفریدگانی که در ارتباط با خالق هستند، مرزهای باغ مقدس رو گسترش بدن، همراه با پرستش، سرسپردگی، اطاعت، واری همه منابع موجود در آفرینش و البته این وظیفه نهایتاً در آسمان‌ها و زمین جدید برداشته خواهد شد.

- دکتر استفن ولوم

در کتاب پیدایش به فرمان فرهنگی بر میخوریم. این فرمان بخش مهمی از کار انسان هست، و نشون میده از دید خدا ما کی هستیم و چطور با هدیه حیاتی که گرفته‌ایم، زندگی می‌کنیم. البته، به هیچوجه نباید بزاریم فرمان فرهنگی باعث بشه فرمان بشارت رو نادیده بگیریم و سرکوب کنیم. هر دو فرمان از جانب خدا، قانونی و بسیار مهم‌اند. در اصل، فرمان فرهنگی یک امتیاز و هدیه‌ای عالی هست. این یک اصل هست که خدای مهیا کننده از قوش که به صورت او آفریده شده‌اند دعوت می‌کنه تا به نمایندگی از او مسئولیت مراقبت، مباشرت و پرورش توانایی بالقوه غنی نظام آفرینش رو به عنوان سفیران وفادار یا نمایندگان رسمی شخص خدا به عهده بگیرن. پس همون طور که باید افرادی خلاق باشیم چون شبیه آفریننده‌مون هستیم، برای به انجام رسوندن فرمان خلقت، باید رحیم، بخشنده و با مسئولیت در تامین احتیاجات هم باشیم.

- دکتر گلن اسکورجی

اولین تغییرات در مقام کهنات به هنگام سقوط بشریت ایجاد شد، وقتی آنها در پیدایش باب ۳ از میوه ممنوعه درخت شناخت نیک و بد خوردند.

**سقوط.** در این زمان، آدم و حوا از باغ عدن بیرون رانده شدند و ناچار به تقدیم قربانی‌های کفاره برای گناه گشتند. منابع بالقوه در این مورد را می‌توانیم ابتدا در پیدایش ۳: ۲۱ بیابیم که خداوند آدم و حوا را با پوست حیوانات پوشانید. مرجع واضح‌تر در این مورد در پیدایش ۴: ۴، در گذراندن قربانی حیوانات توسط هابیل به حضور خداوند دیده می‌شود.

سایر ارجاعات مربوط را در سرتاسر این دوره زمانی می‌یابیم، مثلاً در قربانی‌هایی که نوح پس از طوفان در پیدایش ۸: ۲۰ گذرانید؛ قوچی که ابراهیم در پیدایش ۲۲: ۱۳ قربانی کرد؛ و قربانی‌های یعقوب در پیدایش ۳۱: ۵۴. در این دوران، سران خانواده به عنوان کاهنان خاندان‌شان عمل می‌کردند و فقط تعداد اندکی کاهن به خدمتی گسترده‌تر خوانده شده بودند.

تغییر دیگری که در این زمان اتفاق افتاد، محل انجام خدمات کاهنان بود. پیش از سقوط، این خدمات فقط در باغ مقدس خدا در عدن انجام می‌شد. ولی پس از بیرون رانده شدن بشریت از باغ عدن در پیدایش باب ۳، خدا به کاهنان فرمود تا مکان‌های دیگری را برای پرستش او اختصاص دهند، و سنگ‌های یادبودی برای نشانه‌گذاری مکان‌هایی که او با آنها ملاقات کرده بود، بر پا کنند. برخلاف دوره پیدایش، در این نقطه از تاریخ هیچ مکان واحدی را نمی‌شد به عنوان مسکن خدا بر زمین معرفی کرد.

تغییرات اصلی بعدی، در روزگار خروج اسرائیل از اسارت مصر اتفاق افتاد.

**خروج.** قوم اسرائیل پس از ۴۰۰ سال اسارت در مصر، نزد خدا فریاد کردند و او ایشان را با معجزات مقتدرانه‌ای رهایی داد. به این ماجرا در دومین کتاب کتاب مقدس، یعنی خروج اشاره شده است. در آن دوران، خدا فراخوان به کهنات را از همه افراد بشر برداشت و فقط به قوم اسرائیل محدود کرد. همان طور که در خروج ۱۹: ۶ فرمود، اسرائیل باید برای وی مملکتی از کاهنان می‌شدند. او همچنین قبیله لاوی را به خدمت مخصوص خود گماشت. اکثریت افراد قبیله لاوی به خدمت‌هایی برای پشتیبانی از گروه کوچک‌تری مشغول شدند که کار کهنات برای قوم را انجام می‌دادند. در میان لاویان، فقط هارون و پسرانش برگزیده شدند تا کاهن باشند، و در هر زمان فقط یک نفر از میان ایشان به عنوان کاهن اعظم انجام وظیفه می‌کرد. دستورالعمل‌های خدا در مورد وظایف جدید کهنات خاندان هارون را در سرتاسر کتاب لاویان، و همچنین در قسمت‌هایی از کتاب اعداد می‌یابیم.

خدا همچنین فرمان ساخت خیمهٔ اجتماع را در این دوره دیکته کرد. این مسکن عبارت بود از یک خیمهٔ بزرگ تزئین شده که اسرائیلیان می‌توانستند آن را در طول سفرهای‌شان با خود حمل کنند. مسکن در اصل دارای همان کارکردی بود که باغ عدن در دوران آفرینش داشت؛ یعنی مکان مقدس زمینی خدا بود، جایی که او در آن با قومش قدم می‌زد و صحبت می‌کرد. پس از سقوط بشر، خدا گهگاه با افرادی از نقاط مختلف ملاقات کرده بود. اما با ساخت مسکن، خدا بار دیگر پرستش خود را در یک محل متمرکز کرد. و خادمان برگزیدهٔ خدا یعنی کاهنان باید وارد این مکان پرستش می‌شدند و از آن نگهداری می‌کردند. دستورالعمل‌های مربوط به مسکن و گزارش ساخت آن را می‌توانیم در خروج باب‌های ۲۵-۴۰ مطالعه کنیم.

خدا در نظر داشت تغییرات به وجود آمده در کهانت به هنگام خروج از مصر، در راستای انجام نقشهٔ اولیهٔ او برای بشریت پیش برود. نقشهٔ او این بود که کاهنان خاندان هارون ابتدا اسرائیل را تبدیل به مملکتی از کاهنان کنند، و سپس به واسطهٔ وفاداری و خدمت این ملت خاص، پادشاهی خود را به تمامی جهان گسترش دهد. تغییرات نهایی در مقام کهانت عهد عتیق، در دوران پادشاهان اسرائیل روی داد، زمانی که قوم اسرائیل در سرزمین وعده سکونت پیدا کرده بودند و تحت حکومت یک پادشاه زندگی می‌کردند.

**نظام پادشاهی.** آغاز این نظام پادشاهی توسط شائول، اولین پادشاه اسرائیل، مصنوعی و ناستوار بود. اما توسط داوود، جانشین شائول و خاندان او، شروع محکمی یافت. پادشاهان اسرائیل در دورهٔ حکومت‌شان، رابطهٔ تنگاتنگی با خدمت کهانت داشتند. مثلاً، داوود نقشه‌هایی برای ساختن هیکل کشید. مراقب انجام خدمات کاهنان بود، و خاندان‌های کاهنان را سازماندهی کرد و وظایف مشخصی برای‌شان در نظر گرفت. این موضوعات را می‌توان در قسمت‌هایی مانند اول تواریخ باب‌های ۱۵ و ۱۶ و ۲۳-۲۸ مطالعه کرد.

داوود وظایفی، مخصوصاً وظایف نگهداری و اجرای موسیقی را نیز بر عهدهٔ سایر اعضای خاندان لویان گذاشت. او گهگاه در معیت کاهنان، قربانی‌هایی نیز می‌گذراند و مردم را برکت می‌داد، همان طور که در دوم سموئیل ۶: ۱۷-۱۸ می‌بینیم. در یک مورد، او حتی جامهٔ سلطنتی‌اش را با ایفود کتان لویان عوض کرد، که در اول تواریخ ۱۵: ۲۷ ثبت شده است. این موارد پس از روزگار داوود نیز ادامه داشت، همان طور که در عزرا ۸: ۲۰ آمده است. در زمان داوود، خدمت کهانت اعظم محدود به دو خاندان شد: یعنی خاندان‌های صادوق و ابیاتار، پسران هارون. این اطلاعات در اول تواریخ ۱۸: ۱۶ به ثبت رسیده است.

پس از داوود، پسرش سلیمان به پادشاهی بر پادشاهی خدا رسید، که حتی بیشتر از داوود خود را درگیر خدمات کهانت کرد. سلیمان سرپرستی ساخت هیکل را بر عهده داشت. بر قربانی‌های بی‌شماری نظارت می‌کرد. مردم را در دعا در هیکل رهبری می‌کرد و درست مثل پدرش، ایشان را برکت می‌داد. این جزئیات در اول تواریخ

۲۸: ۲۱؛ دوم تواریخ ۳-۶، و اول پادشاهان ۸-۹ آمده است. همچنین در بسیاری از مزامیر داوود، از جمله مزمور ۵، ۱۱، ۱۸، ۲۷، ۶۵، ۶۶ و ۶۸ به چشم می‌خورد.

سلیمان نیز خط کهنات مقدس را یک بار دیگر محدودتر کرد. همان طور که در اول پادشاهان ۲: ۲۶، ۲۷، ۳۵ می‌بینیم، به خاطر توطئه ابیاتار، سلیمان او و خاندانش را از خدمت کهنات محروم کرد. به این ترتیب داوری خدا بر خاندان ایلی، یکی از کاهنان پیشین بی‌ایمان در روزگار داوران تحقق یافت، که در اول سموئیل ۲: ۲۷-۳۶ به ثبت رسیده است.

در حالی که بعضی خدمات مشخص در هیکل، خاص کاهنان بود، پادشاهان یهودا اغلب به پیروی از داوود و سلیمان در خدمات کهنات شرکت می‌کردند. در واقع، آنها کاهنان ملوکانه در معبد سلیمان بودند.

دوران پادشاهی سرانجام پس از خرابی اورشلیم و معبد سلیمان به دست بابلیان در سال ۵۸۷ یا ۵۸۶ ق.م. و به اسارت رفتن قوم، به پایان رسید. اما در حوالی ۵۱۵ ق.م.، طی تلاش‌هایی که برای بازسازی انجام گرفت، به دست اسرائیلیان بازگشته از اسارت، معبد دیگری ساخته شد. در آن زمان، حزقیال و زکریای نبی اعلام کردند که خدا یهوشع از نسل صادوق را به کهنات اعظم منصوب کرده است. آنها اعلام داشتند که یهوشع در کنار زروبابل که از نسل داوود بود، این بازسازی را رهبری خواهد کرد. متأسفانه، تلاش‌های زروبابل و یهوشع مدت زیادی ادامه نیافت. پس از مدتی، اکثر کاهنان و لایوان و همچنین قوم اسرائیل، به خدا پشت کردند. پرستش اسرائیل آلوده به فساد شد و داوری خدا صدها سال بر آن قوم قرار گرفت.

با این حال، در طول این مدت قوم اسرائیل همچنان حسرت دوران داوود و سلیمان را می‌خوردند. وفادارانی در میان‌شان به یاد می‌آوردند که خدمت پادشاهان و کاهنان به خدا چگونه باید باشد. آنها امیدوار بودند دوباره پادشاهان و کاهنانی با جاه و جلالی بیش از گذشته مشغول خدمت شوند و خدا قوم توبه‌کارش را با آغوش باز به حضور بپذیرد و برکت دهد.

حال، پس از بررسی انتظاراتی که به واسطه بسط تاریخی مقام کهنات به وجود آمده بود، آماده‌ایم تا ببینیم چگونه نبوت‌های خاص عهد عتیق، انتظاراتی هم از کاهنان آینده ایجاد می‌کرد.

### نبوت‌های خاص

در این بخش، بر سه نبوت خاص عهد عتیق درباره مقام کاهن متمرکز می‌شویم. اولین انتظار این بود که سرانجام کاهن اعظم بزرگی بر سر کار می‌آید که خدمتش ابدی است.

در قسمت‌های مختلف عهد عتیق گفته می‌شود که روزی با بر سرکار آمدن یک کاهن اعظم که تا ابد مشغول خدمت می‌شود، کهنات به اوج می‌رسد. خدا هارون را گماشت تا کاهن اعظم دوران موسی شود، اما عهد عتیق به انتظار زمانی بود که فراتر از کهنات هارون برود. پس کهنات هارون موقتاً تا زمانی که کاهن اعظم بزرگ

بر سر کار می‌آمد ادامه داشت. در واقع، امید عهد عتیق این بود که هر دو مقام کهنات و پادشاهی در زمان آن کاهن اعظم بزرگ و پادشاه مسیحایی، به هم می‌پیوندند.

شاید روشن‌ترین عبارتی که در این مورد می‌توان یافت در مزمور ۱۱۰: ۴ باشد که می‌گوید:

خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که «تو کاهن هستی تا ابدالآباد، به رتبهٔ ملک‌یصدق.»  
(مزمور ۱۱۰: ۴)

در این متن، خدا وعده داده است که خدمت ماشیح به عنوان کاهن، بی‌انتهای و ابدی خواهد بود. عبرانیان باب ۷ این ایده را می‌گیرد و مستقیماً به عیسی در مقام کاهن اعظم بر قوم خدا، ربط می‌دهد. همین فصل بیان می‌کند که کهنات دائمی مسیح به وسیلهٔ واقعیت ارتباطش با عهد جدیدی که ارمیا در ارمیا ۳۱: ۳۱ پیشگویی کرد، مفهوم می‌یابد. در این متن، ارمیا نشان می‌دهد که زندگی در عهد جدید عالی و شگفت‌انگیز خواهد بود. و در همین ارتباط، نویسندهٔ عبرانیان استدلال می‌کند که این عهد برتر، کهناتی برتر می‌طلبد – کهناتی جاویدان.

نویسنده به نقل از مزمور ۱۱۰: ۴، در عبرانیان ۷: ۲۱-۲۲ این‌طور می‌گوید:

اما کاهن شدن او با سوگند همراه بود، آنگاه که خدا به وی گفت: «خداوند سوگند خورده است و نظرش را تغییر نخواهد داد: «تو جاودانه کاهن هستی.» به خاطر این سوگند، عیسی ضامن عهدی بهتر شده است (عبرانیان ۷: ۲۱-۲۲، هزارهٔ نو).

ختم کلام اینکه عهد عتیق به طور خاص پیشگویی کرد که در عهد جدید، خدا کاهن اعظم بزرگی را با خدمتی که هرگز پایان نخواهد پذیرفت منصوب خواهد کرد.

دومین انتظار از مقام کاهن که به طور خاص در عهد عتیق پیشگویی شده این است که کاهن اعظم بزرگ بر منصب پادشاهی خواهد نشست.

همان‌طور که قبلاً دیدیم، انسان‌ها در باغ عدن هم کاهن بودند و هم پادشاه. و ملک‌یصدق نیز شخصاً هر دو مقام را داشت. هرچند این مقام‌ها بعداً در طول تاریخ از هم جدا شدند، اما در پیشگویی‌های عهد عتیق، سرانجام دوباره توسط شخص ماشیح به هم می‌پیوندند.

بیا یک بار دیگر به مزمور ۱۱۰ نگاهی بیندازیم. این بار آیات ۲-۴ را دربارهٔ وعدهٔ خداوند در مورد ماشیح

مطالعه می‌کنیم:

خداوند عصای اقتدار تو را از صهیون دراز خواهد کرد؛ در میان دشمنانت فرمانروایی کن... خداوند سوگند خورده و نظرش را تغییر نخواهد داد که: «تو جاودانه کاهن هستی در رتبهٔ ملک‌یصدق» (مزمور ۱۱۰: ۲-۴، هزارهٔ نو).

در اینجا خدا وعده می‌دهد که ماشیح از نسل داوود خواهد بود و در مقام پادشاه، حکومت و در مقام کاهن، خدمت خواهد کرد.

همین موضوع در زکریا ۶: ۱۳ نیز آمده، که در آن دربارهٔ ماشیح این‌طور پیشگویی شده است:

کاهنی بر تخت او خواهد بود (زکریا ۶: ۱۳، هزارهٔ نو).

بنا بر نوشته‌های عهد عتیق، یکی از انتظاراتی که برای مقام کاهن وجود داشت این بود که ماشیح دوباره آن را با مقام پادشاهی پیوند بزند.

سومین نبوت خاص و انتظار برای مقام کاهن این بود که قوم خدا تبدیل به مملکتی از کاهنان شوند. همان‌طور که در پیدایش ۲: ۱۵ دیدیم، افراد بشر در باغ عدن در مقام کهانت خدمت می‌کردند. پس تعجبی ندارد که پس از رهایی از گناه، بشریت رهایی یافته بار دیگر به عنوان کاهنان خدا مشغول خدمت شوند. در واقع، این موضوع به‌طور خاص در جاهایی مثل خروج ۱۹: ۶ و اشعیا ۶۱: ۶ پیشگویی شده است. هر دوی این متون نشان می‌دهند که وقتی ماشیح به عنوان پادشاه حکومت کند، تمامی قوم خدا کاهنان وفادار او خواهند بود و همچون مملکتی واحد از کاهنان می‌شوند. الاهی‌دانان اغلب به این موضوع با عنوان کهانت ایمانداران، اشاره می‌کنند. پطرس رسول نشان داد که این امر در دورهٔ شخص او به اجرا در می‌آید. به اول پطرس ۲: ۵ گوش دهید:

شما نیز... بنا کرده می‌شوید به عمارت روحانی و کهانت مقدس تا قربانی‌های روحانی و مقبول خدا را به واسطهٔ عیسی مسیح بگذرانید. (اول پطرس ۲: ۵)

کاهنان عهد عتیق به عنوان آشتی‌دهندگان دو طرف عهد، پیوسته اهمیت ارتباط مبتنی بر عهد قوم با خدا را به آنها یادآوری می‌کردند. با در نظر داشتن تخریب ناشی از گناه در جهان آفرینش، مقام کهانت برای گسترش دائمی پادشاهی خدا و انجام اهداف او، واجب و ضروری بود. ولی این اهداف بدون شخصیت محوری کهانت در طول تاریخ، یعنی ماشیح که عهد عتیق سراسر انتظارش را می‌کشید، غیرقابل تحقق بود.

پس از بررسی پیشینهٔ عهدعتیق در مورد مقام کاهن، آماده‌ایم تا به دومین موضوع اصلی‌مان، یعنی تحقق مقام کهنات در عیسی پردازیم.

## تحقق در عیسی

ابتدا باید به این نکته توجه داشت که اناجیل و رسالات عهد جدید به روشنی بیان می‌کنند که عیسی انتظارات عهدعتیق از مقام کهنات را تحقق بخشید. مثلاً در عبرانیان ۳: ۱، به وضوح خدمت کهناتی عیسی تصریح شده است:

اندیشهٔ خود را بر عیسی معطوف کنید که اوست... کاهن اعظمی که بدو معترفیم. (عبرانیان ۳: ۱، هزارهٔ نو)

و عبرانیان ۴: ۱۴ این‌طور می‌گوید:

کاهن اعظمی والامقام داریم... یعنی عیسی پسر خدا. (عبرانیان ۴: ۱۴، هزارهٔ نو)

عیسی به عنوان کاهن اعظم بزرگ ما میانجی میان ما و خداست، تا در حضور خاص و قدوس الاهی پذیرفته شویم. او کسی است که اطمینان می‌دهد در نظر خدا مقدس و پاک شده‌ایم، و به این ترتیب می‌توانیم در حضور خداوند زندگی و برکات عهد او را دریافت کنیم.

در بررسی‌مان از تحقق مقام کهنات به وسیلهٔ عیسی، به همان مواردی می‌پردازیم که در پیشینهٔ عهدعتیق مورد بحث قرار دادیم. ابتدا، خواهیم دید که چگونه عیسی ویژگی‌های این مقام را تحقق بخشید. دوم، به چگونگی اجرای کارکردهایش توسط او نگاهی می‌اندازیم. و سوم، خواهیم دید که او چگونه انتظارات مربوط به مقام کاهن را برآورده کرد. بیایید اول ببینیم چگونه عیسی ویژگی‌های مقام کهنات را دارا بود.

## ویژگی‌ها

بسیاری از مردم به این نکات اشاره کرده‌اند که عیسی هرگز در هیكل خدمتی انجام نداد، مراسم عبادتی را رهبری نکرد و از نسل هارون نبود. پس چرا نویسندگان عهد جدید می‌گویند عیسی خدمات و کارکردهای کهنات را اجرا می‌کرد؟ و اصلاً چگونه او دارای شرایط مقام کاهن بود؟ ساده بگوییم، عیسی کاملاً شرایط این مقام را داشت

چون او تحقق امید عهد عتیق برای کاهن ملوکانه‌ای بود که خدا شخصا تعیین کرد تا تمامی خدمات کهناتی را انجام دهد.

به ویژگی‌های عیسی به عنوان کاهن، براساس ویژگی‌هایی که در پیشینه عهد عتیق در مورد مقام کهنات بررسی کردیم، نگاهی خواهیم انداخت. ابتدا، به منصوب شدن عیسی توسط خدا به مقام کهنات می‌پردازیم. و دوم، وفاداری او را نسبت به خدا خواهیم سنجید. بیایید اول به این واقعیت پردازیم که عیسی از جانب خدا منصوب شد.

### منصوب خدا

عبرانیان ۵: ۴-۱۰ به صراحت می‌گویند که خدا عیسی را به عنوان کاهن اعظم منصوب کرد. به این قسمت توجه کنید:

هیچ‌کس خود این افتخار را از آن خویش نمی‌سازد، بلکه این افتخار زمانی نصیب شخص می‌شود که خدا او را همانند هارون فراخواند. مسیح نیز خود جلال کهنات اعظم را از آن خویش نساخت... [بلکه] از جانب خدا تعیین شد تا کاهن اعظم باشد (عبرانیان ۵: ۴-۱۰، هزاره نو).

از آنجایی که خدا عیسی را تعیین کرد، مطمئناً او واجد شرایط بوده است. در عین حال، باید اقرار کرد که این انتصاب به نوعی غیرمعمول بود چون عیسی از نسل لویان کاهن نبود. از ابتدای عهد عتیق به خاطر دارید که خدا به افراد مختلفی اجازه کهنات می‌داد. اما در اواخر عهد عتیق، او کهنات را محدود به نسل صادوق کرد. با این حال، انتصاب عیسی، آن‌طور که در نظر اول به چشم می‌آید، امری غیرمعمول نبود.

در باغ عدن، آدم تعیین شد تا به عنوان پادشاه تحت سلطه خدا، بر زمین حکومت کند. اما حکومت او همراه با خدمت کهنات نیز بود، تا تمامی جهان را به مکانی تبدیل کند که مناسب حضور پر جلال الهی شود. در دوران نظام پادشاهان اسرائیل نیز مقام کهنات و پادشاه نزدیکی زیادی با هم داشتند.

به همین صورت، مسیح کاهنی با رتبه سلطنتی است. او به عنوان پادشاه بی‌نقص تحت امر خدا حکومت می‌کند. اما حکومت او شامل خدمات کهناتی برای آماده‌سازی ما و دنیا برای حضور خاص و پر جلال خدا نیز می‌شود. به این ترتیب، مسیح در واقع تحقق آن چیزی است که آدم و نسل او از انجامش قاصر بودند.

یک بار دیگر به آنچه داوود درباره ماشیح بزرگ در مزمو ۱۱۰: ۱-۴ می‌گوید گوش دهید:



یهوه به خداوند من گفت: «به دست راست من بنشین تا دشمنان را پای انداز تو سازم» خداوند عصای قوت تو را از صهیون خواهد فرستاد. در میان دشمنان خود حکمرانی کن... خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که «تو کاهن هستی تا ابدالآباد، به رتبهٔ ملک‌یصدق». (مزمور ۱۱۰: ۱-۴)

در این متن، از ماشیح – همان که داوود «خداوند من» می‌خواند – هم تصویری سلطنتی از عصای اقتدار و فرمانروایی، و هم تصویری از کاهن، ارائه شده است. پیشگویی داوود دربارهٔ یکی از نوادگانش این بود که چنان شأن سلطنتی خواهد یافت که نه تنها به فرمانروایی می‌رسد، بلکه تمامی خدمات کهنات را نیز، درست مثل ملک‌یصدق محقق خواهد کرد. به همین دلیل عبرانیان ۷: ۱۴ تاکید دارد که عیسی از قبیلهٔ سلطنتی یهودا است، و نه از قبیلهٔ کهناتی لوی. این واقعیت که عیسی هم پادشاهی از قبیلهٔ یهوداست و هم کاهن اعظم بزرگ، ثابت می‌کند که او همان پسر داوود است که مدت‌ها انتظارش را می‌کشیدند، یعنی ماشیح.

احتمالا اکثر اینها بر میگردد به باب ۱۴ پیدایش و ملک‌یصدق، که هم به عنوان پادشاه و هم به عنوان یک کاهن از اون یاد شده، چون ملک‌یصدق به عنوان یک کاهن، قربانی‌هایی که ابراهیم تقدیم کرد، پذیرفت. اما در عین حال، او پادشاه سالم هم بود. پس این رشته در مابقی روایت‌های کتاب مقدس که در اونها پادشاهان و کاهنان گاهی یک نفر هستن، سر دراز پیدا میکنه. در مزمور صد و دهم هست که به پادشاهی به عنوان «ناظر عدالت» اشاره میشه. واضح هست که این مربوط به جنبه‌های ادارهٔ مملکت هم میشه، اما نظارت بر عدالت، حاکی از سهیم بودن در کارکرد کهنات هست، چون ارادهٔ خدا اینه که عدالت او در تمام جهان منتشر بشه. وقتی پادشاه در این امر شرکت داره، حتی اگر کاهنان معینی هم وجود داشته باشن، پادشاه هم عملکردی کهناتی داره. پس، البته، وقتی به عیسی میرسیم، این جریان‌ها یکی میشن، و به همین دلیل ما او رو به عنوان نبی، کاهن و پادشاه قلمداد میکنیم. مثل اینکه، واقعا هم اینطور هست – در کتاب عبرانیان، او ملک‌یصدق جدید. تجسم شخصیتی در عهد جدید که خدا واقعا در عهد عتیق به دنبالش بود.

– دکتر استیو هارپر

حال که دیدیم که خدا عیسی را منصوب کرده، آماده‌ایم تا به این واقعیت بپردازیم که او وفاداری‌اش را به خدا ثابت کرد.

### وفادار به خدا

همان طور که قبلا اشاره کردیم، کاهنان می‌باید تا حدود خاصی وفاداری‌شان را به خدا با پرستش و خدمت به او و تنها به او، و همچنین انجام وظایفی که خدا بر عهده‌شان گذاشته بود، نشان می‌دادند. یکی از دلایل اصلی وظایف محول شده به آنها این بود که اطمینان پیدا کنند قوم خدا نیز چه اخلاقی و چه عرفی، به او وفادارند، و می‌توانند بدون دلهره وارد حضور خاص الاهی شوند. این یکی از اصلی‌ترین خدماتی بود که کاهنان انجام می‌دادند. عیسی شایستگی کامل برای احراز این شرایط را داشت. او همواره فقط و فقط خدا را پرستش و خدمت می‌کرد. همواره مطیع فرمان‌های پدر بود. و در طول خدمت کهانتش، قادر است ما را برای ورود به حضور خاص و قدوس الاهی آماده سازد.

به طور کلی می‌توانیم با نگاهی به محتوای کامل هر چهار انجیل، دلایل کافی وفاداری عیسی به خدا را ببینیم. او ماموریتی که پدر به او سپرده بود، دنبال می‌کرد؛ فقط سخنانی را می‌گفت که پدر داده بود تا بگوید؛ و تنها کارهایی را می‌کرد که می‌دید پدرش انجام می‌دهد. اما متن‌های مشخصی در عهد جدید، به وضوح این مطالب را خلاصه‌وار ارائه می‌کنند، مانند متی ۲۶: ۴۲؛ یوحنا ۵: ۱۹، ۱۴: ۳۱، و ۱۷: ۴؛ و عبرانیان ۷: ۵-۷.

وفاداری بی‌نقص عیسی به خدا، در موفقیت او به عنوان کاهن اعظم بزرگ ما، جنبه‌ی اساسی دارد. او فقط با وفاداری کامل به خدا می‌تواند پیروانش را کاملا مقدس سازد و به ما توانایی سکونت جاودانی در حضور خاص و قدوس خدا را بدهد. مثال‌های زیادی از این موضوع را در کلام خدا می‌یابیم.

مثلا عیسی مشخصا در دعای خود به عنوان کاهن اعظم در یوحنا ۱۷: ۱۹ تقدیس ما را درخواست کرد. بنا بر متن‌هایی مانند رومیان ۱۵: ۱۶ و اول قرنتیان ۶: ۱۱، خدا آن دعا را با مقدس شمردن ما در نظر خود، مستجاب کرده است.

پس از بررسی ویژگی‌های کهانتی عیسی، آماده‌ایم تا به کارکردهای او به عنوان کاهن نگاهی بیندازیم.

### کارکردها

کارکرد کهانتی عیسی را بر اساس نقش‌های مختلف کهانت که در عهد عتیق تعریف کردیم، بررسی می‌کنیم: اول، رهبری کهانت بر قوم خدا؛ دوم، انجام آیین و مراسم کهانت؛ و سوم، شفاعت کهانتی. بیایید ابتدا به چگونگی تحقق کارکرد رهبری کهانت توسط عیسی نگاهی بیندازیم.

## رهبری

هرچند رهبری عیسی جنبه‌های مختلفی دارد، ولی تمرکزمان را در مقام کهنات عیسی بر همان سه موردی می‌گذاریم که در بررسی پیشینه عهدعتیق به آنها اشاره کردیم، و ابتدا به رهبری او در پرستش می‌پردازیم.

عیسی در سرافرازی خود به عنوان کاهن اعظم بزرگ، کارهای زیادی برای ترقی پرستش راستین و روحانی قوم اسرائیل و پیروان خود انجام داد. به عنوان مثال در متی ۲۱: ۱۲-۱۳ تاجران و صرافان را از هیکل بیرون راند چون آنها خانه‌ی دعای خدا را تبدیل به لانه‌ی دزدان کرده بودند.

مهم‌تر از همه، او دست‌یابی به خدا در مکان مقدس معبد آسمانی را برای قوم خود ممکن کرد. در عهد عتیق، مسکن و بعدها معبد محل تقاطع آسمان و زمین بودند. آنها مکان‌های خاصی بودند که عبادت‌کنندگان را هم‌زمان بر زمین و در بارگاه آسمانی خدا قرار می‌دادند. ولی در عهد جدید، عیسی شخصا این کارکرد را به عهده داشت. به جای رفتن به ساختمانی خاص برای ورود به بارگاه آسمانی خدا، عیسی شخصا ما را به آن بارگاه می‌برد. ما به واسطه‌ی او به حضور قدوس و خاص خدا پذیرفته شده‌ایم و برکت مشارکت با او را دریافت می‌کنیم.

به آنچه عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۲ می‌گویند، گوش دهید:

پس ای برادران، از آنجا که به خون عیسی می‌توانیم آزادانه به مکان اقدس داخل شویم، یعنی از راهی تازه و زنده که از میان آن پرده که بدن اوست، بر ما گشوده شده است، و از آنجا که کاهنی بزرگ بر خانه‌ی خدا داریم، بیایید با اخلاص قلبی و اطمینان کامل ایمان به حضور خدا نزدیک شویم، در حالی که دل‌هایمان از هر احساس تقصیر زدوده و بدن‌هایمان با آب پاک شسته شده است. (عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۲، هزاره‌ی نو).

عیسی رهبری کهناتی خود را به شکل رهنمودهایی خاص در امور احکام مدنی و آیین دینی نیز عرضه کرد. مثلا در متی ۱۲: ۱-۸، وقتی شاگردانش متهم به شکستن روز سبت شدند، او حکم کهناتی صادر کرد. در مرقس ۷: ۱۹، احکامی در مورد طهارت آیینی غذا صادر کرد. پس از شفای مرد جذامی در متی باب ۸، به عنوان کاهن اعلام داشت که آن مرد از نظر آیین دینی پاک شده و به او فرمود تا قربانی لازم را در معبد بگذراند. هرچند عیسی به آن مرد فرمود تا خود را به کاهنان نشان دهد، اما هدفش درخواست حکم پاکی از سوی آنها نبود. بلکه، بنا بر متی ۸: ۴، برای آن بود که گواهی بر قوت و اقتدار عیسی شود.

سومین نوع رهبری کهناتی که اشاره کردیم، تعلیم است. و عیسی این کار را نیز انجام می‌داد. درست است که معلمان مختلفی در اسرائیل وجود داشتند. انبیا معلمانی بودند که عهد خدا و اراده‌ی او را اعلام می‌کردند. والدین به فرزندان‌شان تعلیم می‌دادند. علمای دینی و مشایخ معلمان اجتماعات خود بودند. اما

کاهنان به طور مخصوص به تعلیم توبه و وفاداری می‌پرداختند تا قوم خدا در حضور خاص الاهی مورد پذیرش قرار گیرند. مثالی در این مورد در نحما باب ۸ وجود دارد. و تعلیم عیسی نیز اغلب شامل این کارکرد کهناتی می‌شد. مثلاً در موعظه سر کوه در متی باب‌های ۵-۷، عیسی منظور واقعی و کاربرد شریعت خدا را برای هدایت شنوندگان به وفاداری به عهد، تشریح کرد. توبه و وفاداری، هر دو، مرتباً در تعلیم او به چشم می‌خورد، همان‌طور که در متن‌هایی مانند متی ۴: ۱۷، لوقا ۵: ۳۲ و یوحنا ۱۴: ۱۵-۲۴ می‌بینیم.

حال که مشاهده کردیم عیسی در نقش رهبری کهناتی عمل می‌کرد، بیابید نگاهی به روش عملکرد کهناتی او در اجرای آیین و مراسم بپردازیم.

### آیین و مراسم

بی‌شک، مرگ عیسی بر صلیب بزرگ‌ترین جنبه آیینی خدمت کهناتی او محسوب می‌شد. عیسی شخصاً در آیین و مراسم اسرائیل شرکت می‌کرد. در واقع به بسیاری از آنها در انجیل یوحنا اشاره شده است. ولی هیچ‌کدام از این آیین و مراسم، به جز قربانی عیسی بر صلیب، قوم خدا را نمی‌رهانیدند. بی‌شک، صلیب عیسی بزرگ‌ترین جنبه آیینی خدمت کهناتی او محسوب می‌شد. شریعت موسی ایجاب کننده اطاعت اسرائیل بود، اما چون خدا می‌دانست اسرائیل به ناطاعتی ادامه خواهد داد، به ایشان فرمان گذراندن قربانی‌هایی را داد تا برای این گناهان کفاره باشند. اما هر قدر هم که این قربانی‌ها اهمیت داشتند، باید هر سال تکرار می‌شدند - هیچ‌کدام از آنها کاملاً گناه اسرائیل را بر نمی‌داشت. عیسی آمد و خود را به عنوان قربانی کامل گناه تقدیم کرد. قربانی کفاره او موجب رهایی‌ای شد که قربانی‌های اسرائیل هرگز قادر به انجامش نبودند. و به این ترتیب عیسی انتظارات کهناتی اسرائیل را در یک قربانی گناه برای همیشه به انجام رسانید.

خب، قربانی‌های عهد عتیق به انتظار روزی بودن که یک قربانی یک بار و برای همیشه گناه رو از بین برداره. و کتاب مقدس نقش عیسی روی صلیب رو، هم به عنوان قربانی برای گناه توصیف کرده و هم اون رو کاهنی معرفی میکنه که این قربانی رو تقدیم میکنه. به نوعی او دارای هر دو کارکرد هست. او بره خدا رو که گناه جهان رو برخواهد داشت، فراهم میکنه؛ اما کاهنی هست که به یک معنا خودش رو به عنوان قربانی تقدیم میکنه تا کلاً به تقدیم سایر قربانی‌ها پایان بده.

- دکتر سایمون ویبرت

رابطه بین مرگ عیسی و قربانی‌های عهد عتیق رو میشه به اشکال مختلف بسط و توضیح داد. در اصل، قربانی‌های عهد عتیق رو باید در محدوده عهد عتیق قرار داد که خدا با قوم اسرائیل بست. نظام قربانی وسیله‌ای برای برداشتن

گناه قوم بود؛ غضب خدا برداشته میشد؛ رابطه‌ای بین خدا و قومش برقرار میشد. می‌گیم اون قربانی‌ها نمونه هستند؛ الگو هستند؛ اشاره به چیزی بزرگ‌تر در آینده دارن. حتی در عهد عتیق اشارات زیادی هست که قربانی یک حیوان هرگز به تنهایی برای برداشتن گناه کفایت نمی‌کنه. منظور نهایی از اون هرگز برطرف کردن گناه نبود. اونها طرحی از یک قربانی بزرگ‌تر بودن. اما اشاره به جلو داشتند، به قربانی مسیح که او مثل اون قربانی‌ها، جایگزین ماست. اون جای ما رو گرفت. او به روشی عالی‌تر، این کار رو کرد چون انسانه و انسانیت ما رو بر خودش گرفت. اون حیوانات قربانی اینطور نبودن. اما او خدای پسر هم هست، که تجسم پیدا کرد، تا شرایط عدالت رو تحقق ببخشه و به عنوان نماینده‌ی ما، جایگزین ما، کاهن ما، گناه ما رو از میان برداره. و تحقق همه‌ی اون چیزی باشه که قربانی‌ها به اون اشاره می‌کردن، تجدید کننده‌ی ارتباط ما با خدا، بازگرداننده‌ی ما به اونچه خدا قبل از همه ما رو برای اون ساخت – یعنی قوم او، که برای او زنده هستند، خدمتش می‌کنن، تا نقش و وظیفه‌ی به صورت او بودن رو در این جهان به انجام برسونیم.

– دکتر استفن ولوم

همان‌طور که قبلاً دیدیم، کاهنان عهد عتیق مسئول انجام انواع قربانی‌ها، از جمله قربانی گناه، شکرگزاری و مشارکت بودند. و عیسی در مرگ خود بر صلیب، قربانی یگانه‌ای را تقدیم کرد که مبنای شایسته‌ای برای هر قربانی‌ای بود که تا به حال در سرتاسر تاریخ تقدیم شده است. پیش از آن هر قربانی کفاره تنها اشاره‌ای پیشاپیش یا پیش‌سایه‌ای از قربانی‌ای بود که عیسی در هنگام مرگش بر صلیب تقدیم کرد. این حقیقت در متن‌هایی مثل رومیان ۳: ۲۵ و ۸: ۳، و اول یوحنا ۲: ۲ و ۴: ۱۰ تعلیم داده شده است.

به عنوان مثال به عبرانیان ۱۰: ۱-۴ گوش دهید:

شریعت فقط سایه‌ی چیزهای نیکوی آینده است، نه صورت واقعی آنها. از همین‌رو، هرگز نمی‌تواند با قربانی‌هایی که سال به سال پیوسته تکرار می‌شوند، آنان را که برای عبادت نزدیک می‌آیند، کامل سازد... اما آن قربانی‌ها هر سال یادآور گناهانند، چرا که ممکن نیست خون گاوها و بزها گناهان را از میان بردارد (عبرانیان ۱۰: ۱-۴، هزاره‌ی نو)

قربانی‌های عهد عتیق برای عبادت کنندگان سودمند بودند، اما نه به خاطر خودشان، بلکه به دلیل انتظاری که از قربانی خاص و نهایی مسیح بر صلیب ایجاد می‌کردند. از این گذشته، سودمندی آنها هرگز تکمیل نمی‌شد، تا زمانی که عیسی آن قربانی را گذراند که همه‌ی قربانی‌های دیگر به آن اشاره داشتند. به همین دلیل قربانی‌های عهد عتیق قادر نبودند گناه را به طور دائم بردارند. آنها صرفاً وسیله‌ای بودند برای به تعویق انداختن غضب خدا و صبر پیشه کردنش تا وقتی که عیسی بر صلیب جان داد.

از این دیدگاه، عیسی فقط مفهوم مورد اشاره تمامی قربانی‌های کفاره پیشین نبود. او کفاره نهایی نیز محسوب می‌شد. اکنون که قربانی‌های کفاره در عیسی تکمیل شده است، دیگر لزومی به تقدیم این سایه‌ها وجود ندارد. به همین دلیل است که مسیحیان قربانی‌های کفاره توصیف شده در عهد عتیق را نمی‌گذرانند. نه به این علت که ما معتقد باشیم قربانی‌های کفاره ضرورتی ندارند؛ برعکس، ما می‌دانیم که کفاره کاملاً واجب است. ما قربانی کفاره نمی‌گذرانیم چون ایمان داریم قربانی یگانه عیسی به طور کامل نیاز به کفاره را برای همه وفاداران به خدا در همه زمان‌ها به انجام رسانده است. و او با همین یک عمل، تقدس ما را تامین کرده و توانایی سکونت در حضور خاص و قدوس خدا را به ما بخشیده است.

آن‌طور که در عبرانیان ۱۰: ۱۰ می‌خوانیم:

یک بار برای همیشه، از طریق قربانی بدن عیسی مسیح مقدس شده‌ایم (عبرانیان ۱۰: ۱۰، هزاره نو).

قربانی عیسی طلیعه‌ای بود از عصر جدید پادشاهی خدا؛ شروعی بود برای تمام شدن دوره اسارت و داوری قوم خدا. همین یک قربانی، برای هر ملتی بر روی زمین، آمرزش الاهی را قابل دسترس کرد. اما نشانه‌ای از پایان صبر و بردباری خدا نسبت به بسیاری از بی‌ایمانان نیز بود.

همان‌طور که در اعمال رسولان ۱۷: ۳۰ می‌خوانیم، پیش از قربانی مسیح، خدا از محکوم کردن جهالت نسبت به حقیقت، چشم می‌پوشید؛ اما قربانی مسیح حقیقت را طوری اعلام کرد که دیگر جایی برای جهالت باقی نگذاشت. در نتیجه، وقتی گناهکاران در هنگام موعظه انجیل از توبه سر باز می‌زدند، خدا با تناوب و شدت بیشتری شروع به مجازات آنها کرد.

بعضی از شکاکان دینی، مرگ عیسی را چیزی بیشتر از پایان دردناک یک دوره زندگی گمراه کننده، نمی‌دوند. اما از دید ایمانداران، مرگ مسیح از روی عمد، مهم و رهایی‌بخش بود. و قسمتی از درک ما از پویایی اسرارآمیز صلیب، قسمتی از درک ما از اون، این است که صلیب تحقق الگو، یا اصل قبلی قربانی در عهد عتیق هست. امروزه افراد زیادی هستند که از لزوم ریختن هر نوع خونی احساس بدی دارند. برای افراد روشنفکر و متمدن‌تر این کار خیلی بدوی و غیرقابل قبول به نظر می‌رسد. فکر می‌کنم، اهمیت داره که درک کنیم خدا موجودی خون‌آشام در این جهان هستی نیست که برای برطرف کردن نیازهایش، طالب خون باشد. قربانی عهد عتیق، نظام قربانی عهد عتیق، خشن، بیرحم و قدرتمند عمل می‌کرد تا روی جدی بودن گناه که مد نظرش بود، تاکید کند. نظام قربانی عهد عتیق برای مردم باستان یادآور اون بود که باید برای، به قولی، تجدید و بازآوری موازنه اخلاقی جهان خدا با گناه باید مواجه شد. و عیسی مسیح به عنوان تحقق این ضرورت، به شکلی می‌آید که شرایط لازم برای عدالت خدا و موازنه اخلاقی جهان

هستی رو به واسطه کاری بی نظیر از محبت و از خود گذشتگی، محقق کنه. اشاره‌های عهد عتیق به مسیح و تحقق همه جزئیات نظام قربانی باستان اشاره داره.

- دکتر گلن اسکورجی

دیدیم که چگونه عیسی نقش کهناتی خود را به واسطه رهبری و انجام آیین و مراسم به انجام رساند، و حالا به چگونگی تحقق کارکرد کهناتی او در ارتباط با شفاعت می‌پردازیم.

### شفاعت

قبلا در این درس، گفتیم که شفاعت عبارت از میانجی‌گری و درخواست مرحمت برای دیگری است. این کار هم مشخصه خدمات زمینی عیسی بود و همچنان مشخصه خدمت آسمانی اوست.

دوستی از من پرسید: «اگه عیسی ما رو به خدا می‌رسونه، دیگه حالا چه نیازی به وجود او داریم؟ حالا که او ما رو به خدا رسونده چه لزومی داره که همچنان به او وابسته بمونیم و مستقیماً خطاب به پدر آسمانی دعا نکنیم؟ ما دیگه واقعا نیازی به عیسی نداریم.» خُب، نباید نقش مداوم و دائمی عیسی رو نادیده گرفت. چون عهد جدید میگه که عیسی شخصا تنها میانجی بین خدا و انسان است. منظور زمان حاله، و خود شخص عیسی تا ابد برای ما شفاعت میکنه. این اصلاً به معنای اون نیست که کفاره عیسی روی صلیب به نوعی ناکافی بوده. کفاره عیسی یقیناً یک بار برای همیشه، و کامل هست؛ و هرگز نباید چیزی به اون اضافه کرد. اما عیسی همچنان شخصا و دائماً، نقشی ارتباطی در زندگی ما به عنوان مدافع، میانجی و نماینده‌مون داره. او وکیل مدافعیه‌ست که هر روز به طور پیوسته در حضور قاضی القضاات از ما دفاع میکنه. خبر عالی اینه که او به خاطر عمل کفاره‌ای که انجام داد، هیچوقت در دفاع کردن شکست نمیخوره. اون همیشه در استیناف خودش موقع شفاعت به عنوان کاهن اعظم بزرگمون، به کار بی‌نقص و کاملش از طرف ما اشاره میکنه، که همیشه موفق و تاثیرگذار هست. اما این کار اون دائمی، بر پایه رابطه و پویاست. پس عیسی بر اساس کفاره‌ای که به انجام رسونده، همچنان به عنوان میانجی و شفیع و کاهن اعظم بزرگ ما مشغول به کاره.

- دکتر ک. اریک توئیس

یکی از واضح‌ترین مثال‌های شفاعت عیسی در کتاب مقدس، دعای او برای شاگردانش در یوحنا باب ۱۷، در شبی است که دستگیر و محاکمه شد. در واقع، این دعا معمولاً «دعای کهنات اعظم» او خوانده می‌شود. در این

دعا، عیسی درخواست‌های زیادی برای رسولان داشت. در یوحنا ۱۷: ۲۰-۲۱، او از طرف کسانی که به واسطه خدمت بشارتی رسولان در آینده شاگردان او خواهند شد، دعا می‌کند.

عیسی در حین مرگش بر صلیب نیز که موثرترین روش ممکن برای میانجی‌گری میان خدا و بشریت بود، به شفاعت ادامه داد. و اکنون که به آسمان صعود کرده است، طبق کلام خدا همچنان در معبد آسمانی با تقدیم خون خود بر مذبح برای ما شفاعت و دعا می‌کند. در عبرانیان ۷: ۲۴-۲۵ این‌طور می‌خوانیم:

عیسی چون تا ابد زنده است، کهانت همیشگی دارد. پس او قادر است آنان را که از طریق وی نزد خدا می‌آیند، نجات کامل بخشد، زیرا همیشه زنده است تا برایشان شفاعت کند. (عبرانیان ۷: ۲۴-۲۵، هزاره نو)

نجات ما همواره محفوظ است، چون عیسی، کاهن اعظم بزرگ‌مان، دائماً از طرف ما شفاعت می‌کند و از خدای پدر می‌خواهد تا شایستگی مرگ پسر را به عنوان بهای هر گناهی که مرتکب می‌شویم، بپذیرد.

عیسی کاملاً کارکرد عهد عتیقی کهانت را به انجام رسانید. او رهبری کرد، آیین و مراسم را اجرا کرد - که در بردارنده بزرگ‌ترین آیین تمامی تاریخ، یعنی قربانی‌اش بر صلیب است - و برای قومش به شفاعت پرداخت. در واقع او امروز نیز به انجام این کارکردهای اساسی، از طریق کلیسایش و نیز کار کهانت در صحن‌های آسمانی، ادامه می‌دهد. پس وظیفه ما به عنوان پیروان او این است که او را اقرار کنیم، بر او به عنوان تنها راه دستیابی به خدای پدر اتکا کنیم، و خودمان را به خدمت او بسپاریم تا ما را برای ورود به حضور قدوس و خاص خدا آماده سازد. با در نظر داشتن ویژگی‌ها و کارکردهای عیسی، بیایید ببینیم او چگونه انتظارات عهد عتیق از مقام کهانت را برآورده می‌کرد.

### انتظارات

همان‌طور که قبلاً در این درس دیدیم، بسط تاریخی مقام کاهن موجب شد این انتظار به وجود آید که در آینده، مقام کاهن به میانجی‌گری میان خدا و قومش طوری ادامه دهد که قوم بتوانند به حضور خاص و قدوس خدا پذیرفته شوند. همچنین دیدیم که عیسی این انتظارات را با انجام کارکردهای مقام کاهن به انجام رسانید. پس در این بخش از درس، توجه‌مان را بر چگونگی انجام نبوت‌های خاص عهد عتیق درباره آینده مقام کهانت، توسط عیسی، متمرکز می‌کنیم.

بحث را به سه قسمت تقسیم می‌کنیم. اول، به پیشگویی درباره کاهن اعظم بزرگ می‌پردازیم. دوم، پیشگویی درباره خدمت این کاهن اعظم به عنوان پادشاه را بررسی می‌کنیم. و سوم، این پیشگویی را که قوم خدا



مملکتی از کاهنان می‌شوند، مورد ملاحظه قرار می‌دهیم. بیایید ابتدا ببینیم چگونه عیسی پیشگویی مربوط به کاهن اعظم بزرگ را تحقق بخشید.

### کاهن اعظم بزرگ

عهد عتیق به روش‌های مختلف، و گاهی کاملاً به وضوح، پیشگویی می‌کرد که در آینده کاهن اعظم بزرگی در عصر مسیحایی یا ماشیح پا به عرصه می‌گذارد و در واقع خود ماشیح خواهد بود. طبق مزمور ۱۱۰، این کاهن اعظم بزرگ از «رتبهٔ ملک‌یصدق» خواهد بود، به این معنا که از نسل هارون نیست. خدمت در این مقام ابدی خواهد بود، به این معنا که مرگ، او را از تحقق عملکردش متوقف نخواهد کرد. و طبق روایت نویسندهٔ عبرانیان، همهٔ این پیشگویی‌ها در عیسی تحقق یافته است.

عبرانیان ۷: ۲۱-۲۲ از مزمور ۱۱۰: ۴ نقل قول می‌کند، و اینگونه تعبیر می‌کند:

خداوند سوگنده خورده است و نظر خود را تغییر نخواهد داد: «تو جاودانه کاهن هستی». به خاطر این سوگند، عیسی ضامن عهدی بهتر شده است. (عبرانیان ۷: ۲۱-۲۲، هزارهٔ نو).

نویسندهٔ عبرانیان می‌گوید وقتی خدا سوگند خورد که ماشیح تا ابد کاهن خواهد بود، تصریح می‌کند که کاهن اعظم بزرگ آینده همان ماشیحی است که عهد جدید را به ارمغان می‌آورد. بر اساس همین متن از عبرانیان، آن کاهن اعظم بزرگ، عیسی است.

در واقع، عبرانیان دست‌کم ده بار در جاهای مختلف به نقش عیسی به عنوان کاهن اعظم بزرگ اشاره می‌کند. همچنین مرتباً از عیسی به عنوان «مسیح» یا «ماشیح» یاد می‌کند، و صریحاً در باب‌های ۸، ۹ و ۱۲ می‌گوید که او همان کسی است که عهد جدید را به ارمغان می‌آورد. نامهٔ به عبرانیان بیش از هر کتاب دیگر عهد جدید، بدون هیچ شبهه‌ای دلیل می‌آورد که عیسی انتظارات عهد عتیق در مورد کاهن اعظم بزرگ را به انجام می‌رساند.

دومین انتظار عهد عتیق که عیسی تحققش بخشید، سلطنت کاهن اعظم بزرگ به عنوان پادشاه است.

### کاهنی در منصب پادشاه

دیدیم که از زمان آدم تا روزگار ابراهیم، مقام کهنانت و پادشاهی اغلب در یک نفر جمع بودند. هرچند این مقام‌ها در دوران پادشاهان اسرائیل از هم جدا شدند، اما عهد عتیق پیش‌گویی کرد که نهایتاً دوباره در شخص ماشیح به هم می‌پیوندند. به این نکته هم در مزمور ۱۱۰: ۲-۴ و هم در زکریا ۶: ۱۳ اشاره شده است.

همان طور که در این درس و درس‌های قبلی دیدیم، وقتی عیسی به عنوان ماشیح موعود پا به جهان گذاشت، هر دو مقام پادشاهی و کهنات را بر خود گرفت. این موضوع در متونی مانند مرقس ۸: ۲۹؛ لوقا ۲۳: ۳؛ و عبرانیان باب‌های ۸-۹ به چشم می‌خورد.

پیش از آمدن عیسی، کهنات نسل هارون بیش از ۱۰۰۰ سال در خدمت قوم خدا بود. اما خدمت آنان همواره اشاره به چیزی فراتر یعنی به آمدن ماشیح داشت که قرار بود هم کاهن و هم پادشاه باشد. و در واقع، طبق اعمال رسولان ۶: ۷، بسیاری از کاهنان در اورشلیم و اسرائیل، عیسی را به عنوان ماشیح موعود شناختند و پیروان او شدند.

از آنجایی که عیسی نه کهنات مستقلی تاسیس کرد و نه خدمت ابدی معبد و کهنات نسل هارون را تایید نمود، عدم پشتیبانی او توسط کاهنان اسرائیل نشان می‌دهد که آنها درک می‌کردند که تعلیم عهد عتیق نشان می‌دهد وقتی ماشیح بیاید، دوباره مقام‌های کاهن اعظم و پادشاه را در شخص خود به هم می‌پیوندد؛ و همان طور که دیدیم، این دقیقا همان کاری بود که عیسی انجام داد.

سومین انتظار نبوتی خاص که کهنات عیسی تحقق بخشید، آن بود که کاهن اعظم بزرگ، قوم خدا را تبدیل به مملکتی از کاهنان می‌کند.

### مملکتی از کاهنان

دیدیم که خروج ۱۹: ۶ و اشعیا ۶۱: ۶ هر دو زمانی را پیشگویی می‌کنند که قوم خدا تبدیل به ملت یا مملکتی از کاهنان می‌شوند. آنها همگی با انجام کاری که خدا برای‌شان مقرر کرده، در حضور قدوس خدا خدمت می‌کنند، قربانی‌های حمد و اطاعت می‌گذرانند، و سایر کارکردهای کهناتی را به انجام می‌رسانند. در موعظه عیسی در لوقا باب ۴، خداوند ما با نقل قول از اشعیا باب ۶۱ به شکلی قابل توجه ادعا کرد که شخصا تحقق آن متن است. عیسی با این روش به طور ضمنی نشان داد که شخصا قوم خدا را به مملکتی از کاهنان تبدیل می‌کند. طبق قسمت‌های دیگر عهد جدید، این دقیقا همان کاری است که انجام داد.

مثلا در اول پطرس ۲: ۵، پطرس از کلیسا به عنوان «کهنات مقدس» یاد می‌کند. و در آیه ۹، آن را «کاهنانی که پادشاه‌اند» می‌خواند. همین موضوع را در مکاشفه ۱: ۶، ۵: ۱۰، و ۲۰: ۶ نیز می‌بینیم.

به طور مثال به این سخنان درباره عیسی از مکاشفه ۱: ۶ گوش دهید:

و ما را به سلطنت رسانید تا به عنوان کاهنان، خدا یعنی پدر او را خدمت کنیم (مکاشفه ۱: ۶، ترجمه مؤده).

عیسی به عنوان ماشیح، کاهن اعظم بزرگی است که در منصب پادشاهی سلطنت می‌کند، و همه پیروانش را منصوب می‌کند تا به عنوان کاهنان در پادشاهی او خدمت کنند.

درسی که از عهد عتیق می‌گیریم این است که شخصیت‌های مذهبی کلیدی، کاهنان بودند. در عهد جدید میبینیم نه فقط زیرمجموعه‌ای از مسیحیان، بلکه همه ایمانداران، حالا کاهن هستن. این حقیقت اغلب در عبارت آشنای «کهانت همه ایمانداران» بیان میشه. نکته اصلی اینجاست که همه مسیحیان خوانده شده‌اند و قدرت پیدا کرده‌اند تا خدمت کنند، تا دست‌ها، قلب، پاها و بدن مسیح باشن. این یه حقیقت قدرتبخش هست. یکی از پیامدهای هیجان‌انگیز تاریخی چنگ انداختن به این حقیقت شگفت‌انگیز اینه که دیگه نیازی نیست شخص دیگه‌ای مجرا، یا واسطه بین ما و خدا باشه. هر نوع ساختاری که یه واسطه بین شما و خدا قرار بده، موقعیت‌های زیادی برای سوءاستفاده و کنترل اجتماعی و اسارت رو براتون ایجاد میکنه. پس این یه حقیقت بی‌اندازه قدرتبخش، پرمنزلت و رهایی‌بخشه، و در عین حال حقیقتی‌ست که به هیچ شکلی، واقعیت بخشیدن عطایای مختلف خدا به بدنش رو بی‌ارزش نمیشمره، و اینکه در بین اون عطایا، عطای شبانی وجود داره و من خودم رو مدیون خدمات شبانانم میدونم. لازمه عطای شبانی، داشتن قلبی خاص هست. این عطا مستلزم داشتن قلب و مهارت‌های شبانی کردن، هدایت، دلگرمی دادن و آرامش بخشیدن هست. منظور، ایستادن بین خدا و شخصی دیگه نیست. منظور این نیست که وقتی افراد مشغول کار نیکو هستن و خودشون رو برای اون تحت انضباط قرار میدن و خدا فکر خود اونها رو روشن میکنه، حشون رو برای تفسیر کلام خدا ناچیز بشمریم. اما این فیضی‌ست که به ما داده شده، تا در طول سفرمون به عنوان کاهن به ما کمک کنه، و هر کدوم از این کاهنان ارزش و اعتبار زیادی برای مراقبت شبانی قائل هستن.

- دکتر گلن اسکورجی

تحقق مقام کهانت توسط عیسی، موضوع بسیار مهمی را به یاد ما می‌آورد. اهداف اصلی خدا از آفرینش، به واسطه گناه مغشوش شد، ولی هرگز توسط گناه پایمال نشد. ظهور عیسی و انجام دقیق ملزومات کهانت، نشانگر وفاداری او به نقشه نیکوی خداست. تثبیت این مقام و معنی نهایی آن توسط او نشان دهنده محوریت او در پیشبرد نقشه خداست. عیسی به عنوان کاهن اعظم بزرگی که در منصب پادشاهی حکومت می‌کند، جنبه‌های اصلی و مورد انتظار خدمت کهانت را به انجام رسانید. پس ما به عنوان قوم او، دلیل محکمی برای تکریم، پرستش و اعتماد به عیسی، و نیز خدمت وفادارانه به او به عنوان مملکتی از کاهنان داریم.

تا اینجا به پیشینه عهد عتیق درباره مقام کاهن و تحقق آن توسط عیسی پرداختیم. اکنون آماده‌ایم تا کاربرد امروزی کهانت عیسی را بررسی کنیم. امروز نقش عیسی به عنوان کاهن اعظم بزرگ ما، متضمن چه چیزهایی است؟

## کاربرد امروزی

یکی از بهترین دیدگاه‌ها از کاربرد امروزی کار کهناتی مسیح را می‌توان در نسخهٔ موجز پرسش و پاسخ وست‌مینستر، جواب شمارهٔ ۲۵ یافت که می‌گوید:

مسیح در جایگاه یک کاهن، یک بار خود را به عنوان قربانی برای برقراری عدالت الهی تقدیم کرد تا ما را با خدا مصالحه دهد و همیشه برای ما شفاعت کند.

در این جوابیه، نسخهٔ موجز پرسش و پاسخ وست‌مینستر، کار کهنات مسیح را در رابطه با خدمت او برای ایمانداران خلاصه می‌کند. دست‌کم به سه جنبه از کار او اشاره می‌کند. اول، از خدمت مسیح هنگام تقدیم خودش به عنوان قربانی سخن می‌گوید. دوم، می‌گوید که خدمت قربانی او یک بار برای همیشه، موجب آشتی خدا و ایمانداران شد. و سوم، شفاعت دائمی او را میان خدا و ایمانداران، در این فهرست می‌آورد.

در بررسی کاربرد امروزی مقام عیسی به عنوان کاهن، از نسخهٔ موجز پرسش و پاسخ وست‌مینستر پیروی می‌کنیم. اول، به قربانی مسیح می‌پردازیم. دوم، بر کار آشتی او متمرکز می‌شویم. و سوم، کاربرد شفاعت مسیح را بررسی می‌کنیم. بیایید ابتدا به قربانی بپردازیم.

### قربانی

کاربرد قربانی مسیح را با نگاهی به سه واکنشی بررسی می‌کنیم که باید نسبت به آن داشته باشیم، یعنی: اعتماد به نجات او؛ خدمت وفادارانه به او و کسانی که او دوست می‌دارد؛ و پرستش. بیایید اول نگاهی به موضوع اعتماد بیندازیم.

### اعتماد

کلام خدا تعلیم می‌دهد که قربانی عیسی بر صلیب، تنها مبنای مؤثر هدیهٔ نجات خداست. مسیح بر صلیب مُرد تا گناهکاران را نجات بخشد. با استفاده از کلماتی که قبلاً در این درس آموختیم، او خون‌بهای مورد نظر خدا را پرداخت، عدالت او را به جا آورد و غضبش را فرونشاند، تا از تقصیر همهٔ کسانی که به او ایمان می‌آورند، چشم‌پوشی کند یا آنها را از میان بردارد.

و این ایمان، حیاتی است. برای دریافت آموزش گناهان که مسیح عرضه می‌کند، باید به او، و فقط به او اعتماد کنیم. باید باور داشته باشیم که او پسر خداست که برای گناهان ما مُرد، و فقط به خاطر قربانی‌ای که او برای

ما تقدیم کرد، آمرزیده شده‌ایم. کلام خدا دربارهٔ این اعتماد در قسمت‌هایی مانند یوحنا ۲۰: ۳۱، رومیان ۱۰: ۹-۱۰، و اول یوحنا ۴: ۱۴-۱۶ صحبت می‌کند.

پیروان مسیح باید اعتماد داشته باشند که نجات ما بر پایهٔ قربانی عیسی استوار شده، و فقط به خاطر کار او قابل اجراست. هیچ شخص دیگری نمی‌تواند ما را نجات بدهد. همان‌طور که پطرس در اعمال رسولان ۴: ۱۲ اعلام کرد:

و در هیچ کس غیر از او نجات نیست زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم. (اعمال رسولان ۴: ۱۲)

ما نمی‌توانیم نجات را کسب کنیم. هیچ کلیسا یا قدیسی نمی‌تواند آن را به ما بدهد. باید تنها به شایستگی مسیح و قربانی او اعتماد کنیم تا نجاتمان بدهد.

وقتی فقط به عیسی اعتماد می‌کنیم، می‌توانیم در برابر خدا مطمئن و شادمان باشیم. عیسی با وفاداری هرچه پدر امر کرد به انجام رساند. و خاطر جمع هستیم که او با وفاداری هرچه را که به ما وعده داده نیز، انجام می‌دهد.

همان‌طور که در عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۲ می‌خوانیم:

به خون عیسی می‌توانیم آزادانه به مکان اقدس داخل شویم... و از آنجا که کاهنی بزرگ بر خانهٔ خدا داریم، بیاید با اخلاص قلبی و اطمینان کامل ایمان، به حضور خدا نزدیک شویم (عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۲، هزارهٔ نو).

اطمینانی را که در اینجا به آن اشاره شده است، می‌توان اعتماد نیز خواند. این همان اعتقاد محکم است که قربانی عیسی برای کفارهٔ گناه ما کفایت می‌کند، و امکان ندارد که نتواند ما را نجات بخشد.

یکی از نشانه‌های نجات ما این است که اون رو احساس می‌کنیم. احساس می‌کنیم عضوی از خانوادهٔ خدا شده‌ایم. کتاب مقدس می‌گوید که روح القدس با روح ما شهادت می‌دهد که فرزندان خداییم. پس، فرزندان حقیقی خدا احساس فرزندخواندگی دارن. اما نه به این معنا که نمیتونیم در درجهٔ اعتماد و اطمینانی که از نجاتمون داریم، دچار نوسان باشیم. می‌خواهیم در این اطمینان رشد کنیم، اما در طی زمان این احساس میاد و میره. لازمه که دنبال درک انجیل باشیم، هر روز اون رو به خودمون موعظه کنیم تا بفهمیم عیسی وقتی جای ما رو گرفت، برامون چه کرد، و به همدیگه هم کمک کنیم. این همون کاری است که در مشارکت انجام میدیم، یعنی به هم کمک می‌کنیم تا از

فرزندخواندگی‌مون، از نجاتمون، از آمرزشمون مطمئن تر بشیم. و وقتی تحت موعظه کلام قرار میگیریم، در اطمینان به مسیح و اینکه او برای ما چه کرده، رشد می‌کنیم و روح‌القدس این موضوع رو برای ما جا میندازه. پس برای هر ایمانداری اعتماد به نجات، در طول روز دچار نوسان میشه، اما باید به طور کلی، در طول زمان در این اعتماد، دایما رشد کرد.

- دکتر. ک. اریک توئیس

آیا ممکنه ایمانداران واقعی به نجاتشون شک کنند؟ کاملا. در این مورد نمونه‌هایی در کلام خدا هم به چشم میخوره. فکر میکنم در مواردی مثل وقتی ایلیا زیر درخت آردج نشست؛ در بعضی از مزامیر داوود که با مویه و زاری سوالاتی درباره ارتباطش با خدا میپرسید. به نظرم در زندگینامه پطرس، بلافاصله بعد از ماجرای انکار عیسی، وقتی میره و گریه میکنه، این موضوع رو میبینید. البته. ایمانداران واقعی ممکنه به نجاتشون شک کنن. میدونید، نجات ما این نیست که: «من به اندازه اطمینانی که دارم، نجات پیدا کردم.» گاهی در مجامع ایوانجلیکال، به این سمت کشیده میشیم. از مردم میخوایم که شهادت ایمان بدن - من شهادتی دارم؛ من هم مثل پولس به طرزی ناگهانی و مهیج به مسیح ایمان آوردم. اگر بخواید میتونم اون رو در یک ساعت براتون مختصرا بازگو کنم. زمانی من اصلا به وجود عیسی اعتقادی نداشتم و برام اهمیتی هم نداشت، اما در عرض ۲۴ ساعت، ایمان آوردم که او پسر خدا و منجی من هست. اما من به وسیله فیض از طریق ایمان به کار انجام شده و تموم شده مسیح نجات پیدا کردم نه براساس اندازه اطمینانی که دارم. موضوعات مختلفی ممکنه این اطمینان رو از شما بدزدن. مشیت ناگهانی و تاریک خدا که مثلا همراه با فوت کسی که بیشتر از همه در دنیا دوست دارید، شما رو تگون میده. گاهی این موضوع دلایل فیزیکی یا روانی داره. بعضی مردم ترجیح میدن نیمه خالی لیوان رو ببینن. اونها اساسا پرسشگرند. همه ما به اصطلاح شخصیت‌های بدبین «من می‌دونستم» های جهان رو می‌شناسیم، و شاید من هم یکی از اونها باشم، که سوال‌هام همون معنی رو داره. معیارها، یا استانداردهای الهی، مثل اعتقادنامه وست‌مینستر وجود داره، که در قرن ۱۷ اشاره می‌کرد که گاهی خدا نور چهره‌اش رو از ما پنهان میکنه، از ما فاصله میگیره تا او رو بیشتر بطلبیم، تا دلتنگی برای حضور او باعث رشد ما و نهایتا تایید ایمانمون بشه. به هیچ‌وجه تجربه دلپذیری نیست. اما والدین هم گاهی این کار رو میکنن. خودشون رو از دسترس بچه‌ای که شروع به راه رفتن کرده، دور نگه میدارن. اونجا هستن، آماده‌ان تا اگه بیفته بگیرنش، اما لحظه‌ای اون رو به حال خودش میزارن؛ و گاهی خدا با ما همین کار رو میکنه، ما رو وا میداره تا مشتاقش بشیم که به رشد ما ختم میشه.

- دکتر دِرک تامس

پس از بررسی اعتماد در واکنش به قربانی مسیح، بیایید به خدمتی بپردازیم که قربانی او الهام‌بخش آن است.

### خدمت

کتاب مقدس این‌طور تعلیم می‌دهد که قربانی عیسی به نیابت از ما، باید به ما الهام ببخشد تا وفادارانه در خدمت او باشیم. پولس در سراسر باب ۶ رومیان تصریح می‌کند که چون عیسی مُرد تا ما را نجات بخشد، ضروری است که او را محبت و اطاعت کنیم. او مُرد تا حیات تازه‌ای به ما ببخشد - حیاتی آزاد از سلطهٔ گناه. و یکی از راه‌های ابراز شکرگزاری برای این نجات آن است که در زندگی‌مان علیه گناه بجنگیم، و از تسلیم دوباره به آن خودداری کنیم.

همان‌طور که پولس در رومیان ۶: ۲-۴ می‌نویسد:

ما که نسبت به گناه مردیم، چگونه می‌توانیم به زندگی در آن ادامه دهیم؟... پس با تعמיד یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان‌گونه که مسیح به وسیلهٔ جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم (رومیان ۶: ۲-۴، هزارهٔ نو).

یکی از دلایل مرگ عیسی این بود که ما از سلطهٔ گناه آزاد شویم. تنها واکنش مناسب به این قربانی، زندگی کردن برای خشنودی اوست.

کلام خدا همچنین به راه‌های مختلف دیگری اشاره می‌کند که می‌توانیم در پرتو قربانی مسیح به او خدمت کنیم. واضح است که باید با ابراز اشتیاق برای رنج کشیدن و حتی مردن در جهت اهداف مسیح، از نمونهٔ او پیروی کنیم. در واقع، قسمت‌هایی مثل اعمال ۵: ۴۱ و فیلیپیان ۱: ۲۹ نشان می‌دهند که رنج دیدن به خاطر مسیح، افتخار و برکتی بزرگ است.

کتاب مقدس ما را تشویق به خدمت به مسیح به وسیلهٔ از خودگذشتگی برای کسانی هم می‌کند که عیسی مُرد تا نجات‌شان دهد. در افسسیان ۴: ۳۲-۵: ۲ تعلیم می‌گیریم تا نسبت به همدیگر صبور و دلسوز باشیم. رومیان باب ۱۴ و اول قرن‌تینان باب ۸ به ما می‌فرماید که از آزادی‌های خودمان به خاطر کسانی که ایمان ضعیف‌تری دارند، بگذریم. حتی اینکه از جان خودمان نیز به خاطر سایر ایمانداران بگذریم، همان‌طور که مسیح گذشت. این را یوحنا در اول یوحنا ۳: ۱۶ می‌نویسد:

از این امر محبت مسیح را دانسته‌ایم که او جان خود را در راه ما نهاد و ما باید جان خود را در راه برادران بنهیم.  
(اول یوحنا ۳: ۱۶)

قربانی کفاره عیسی بر صلیب، یک بار برای همیشه، ماموریت خود را به انجام رسانده، یعنی، مجازات عادلانه خدا برای گناهان را بر خود گرفته است. ما هرگز نمی‌توانیم برای خودمان کفاره بدهیم، چه برسد به اینکه برای انسان دیگری کفاره بدهیم. اما می‌توانیم در پیروی از نمونه عیسی، جانمان را به خاطر دیگران بدهیم. اگر باید حاضر به مردن برای دیگران باشیم، پس باید مشتاقانه برای‌شان قربانی‌های کوچک‌تری نیز مثل تخصیص وقت‌مان، پول‌مان، راحتی‌مان، و اموال‌مان برای خدمت به آنها بدهیم.

صحبت کردن درباره اهمیت محبت به دیگران و از خودگذشتگی برای آنها، آسان است. اما گاهی دنبال کردن این ایده‌ها برای‌مان سخت می‌شود. برای اینکه به خوبی مردم را محبت کنیم، باید از چیزهایی بگذریم که معمولاً برای‌مان عزیز هستند، مثلاً - وقت، پول و راحتی‌مان. اینها فقط چند قربانی ضروری برای ابراز محبت به دیگران است. اینکه برای پادشاهی و عدالت خدا ارزش بیشتری از راحتی‌های‌مان قایل شویم، کار را دشوار می‌کند. اما در غیر این صورت حقیقت مهمی را نادیده می‌گیریم، زیرا با تقدیم این قربانی‌ها منفعتی بیش از ارزش آنها نصیب ما می‌شود. این منفعت که با دادن جان‌مان برای دیگران، فرصت عبادت خدا و دیدن گسترش فرمانروایی او در این جهان را به دست می‌آوریم.

پس از بررسی اعتماد و خدمت که دو کاربرد امروزی قربانی مسیح هستند، بیایید به موضوع پرستش بپردازیم.

### پرستش

ما مسیحیان اغلب با تفکر در آنچه عیسی بر صلیب برای ما انجام داد، انگیزه زیادی برای پرستش او پیدا می‌کنیم. قربانی فداکارانه او به حق قلب ما را بر می‌انگیزد تا او را به خاطر محبت عظیمی که به ما نشان داد، بستاییم. برکات باورنکردنی نجاتی که او به‌پایش را برای ما پرداخت، مرتباً ما را برای شکرگزاری به حرکت در می‌آورد.

قربانی عیسی باید ما را برای پرستش خدای پدر و روح‌القدس نیز برانگیزد. گذشته از هرچیز، بنابر قسمت‌هایی مانند یوحنا ۱۴: ۳۱، قربانی عیسی نقشه پدر بود. و عبرانیان ۹: ۱۴ تعلیم می‌دهد که عیسی قربانی خود را به واسطه قدرت روح‌القدس تقدیم کرد. پس پدر و روح‌القدس، شایسته همان ستایش و پرستشی هستند که نثار عیسی می‌کنیم.



قربانی عیسی جز برانگیختن ما به پرستش، الگویی برای پرستش نیز هست. به نوشته پولس در رومیان ۱:۱۲ گوش دهید:

لہذا ای برادران، شما را به رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که بدن‌های خود را قربانی زندۀ مقدس پسندیدۀ خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است. (رومیان ۱:۱۲)

این متن طبیعتاً دو سوال را مطرح می‌کند. اول، مرگ عیسی بر صلیب چگونه عملی برای پرستش محسوب می‌شد؟ و دوم، چگونه می‌توانیم در پرستش خودمان از آن الگو برداری کنیم؟

در جواب به سوال اول، مرگ عیسی بر صلیب عملی برای پرستش بود چون نمونه‌ها و پیشگویی‌های عهد عتیق در مورد قربانی‌ها را تحقق بخشید. در عهد عتیق، قربانی محور اصلی عبادت و پرستش خدا بود. و عبرانیان باب ۹ تعلیم می‌دهد که تمامی قربانی‌های عهد عتیق به قربانی عیسی اشاره داشتند. همچنین می‌گوید که عیسی در قربانی شدن برای ما منفعل نبود. بلکه، او در قربانی خود، فاعلیت داشت. او کاهن اعظمی بود که در پیروی از مقررات عبادتی عهد عتیق، خود را در پرستش به وسیلۀ قربانی، به خدا تقدیم کرد. به همین دلیل، قربانی‌های ما نیز پرستش‌مان را در بردارند.

اما چطور می‌توانیم در پرستش خودمان از قربانی عیسی الگو برداریم؟ چه نوع قربانی‌هایی باید تقدیم کنیم؟ کلام خدا نشان می‌دهد که خدا کارهای زیادی را به عنوان قربانی محسوب می‌کند. همان طور که قبلاً دیدیم، طبق رومیان ۱:۱۲، یکی از راه‌های تقلید از قربانی مسیح، تقدیم بدن‌هایمان به خداست. اما آیۀ ۲ معنی این کار را چنین تشریح می‌کند: نباید خودمان را با رفتار دنیوی وفق بدهیم؛ بلکه باید نو شدن ذهن‌مان در مسیح الگوهای رفتاری‌مان را تازه کند. لازم است که بدن‌مان را از اعمال گناه‌آلود دور نگه داریم، و رفتارهای تازه‌ای برای تکریم خدا در پیش بگیریم.

افسیان ۵: ۱-۲ تعلیم می‌دهد که دومین روش الگو برداری از قربانی مسیح، محبت پیشه کردن در زندگی است. مرگ عیسی بر صلیب اوج عمل در محبت بود. پس وقتی نسبت به همدیگر مهربان و دلسوز هستیم، در زندگی‌مان از قربانی محبت‌آمیز مسیح الگو برداری می‌کنیم.

و فیلیپیان ۴: ۱۸ راه سومی برای پرستش خدا توسط قربانی توصیه می‌کند، و آن تقدیم پول، دارائی و وقت‌مان برای کمک به سایر ایمانداران است. پولس می‌گوید که هدایای فیلیپیان به او قربانی‌ها و پیشکش‌هایی به خداست چون برای فیلیپیان گران تمام شده و کسانی را که خدا دوست می‌دارند، بهره‌مند ساخته است.

البته با این توصیه‌ها همه روش‌های ممکن پرستش خدا توسط قربانی دادن، تکمیل نمی‌شود. اما همین‌ها شروع خوبی برای قدم برداشتن در جای پاهای مسیح و پرستش خدا به وسیلۀ قربانی محبت‌آمیز هستند.

اکنون که به چند روش کاربردی و عملی از قربانی عیسی نگاهی انداختیم، آماده‌ایم تا ببینیم چگونه آشتی دادن کهناتی او بر زندگی ما تاثیر می‌گذارد.

### آشتی

به سه کاربرد امروزی کار عیسی در آشتی دادن کهناتی‌اش خواهیم پرداخت. اول، خواهیم دید که این آشتی، صلح را میان ما و خدا برقرار می‌کند. دوم، به یگانگی ناشی از آن می‌پردازیم. و سوم، ماموریتی را که این آشتی بر عهده ما می‌گذارد، بررسی می‌کنیم. بیایید ابتدا به صلح میان ما و خدا بپردازیم.

### صلح

وقتی عیسی ما را با خدا آشتی می‌دهد، میان ما و خدا صلح برقرار می‌کند. قبل از این آشتی، همان طور که در قسمت‌هایی مثل رومیان ۵: ۱۰ و افسسیان ۲: ۲ می‌خوانیم، سرکشی علیه خدا، ما را دشمنان او ساخته بود. در آن زمان، سزاوار عدالت و غضب خدا بودیم. اما عیسی با آشتی دادن ما و خدا، خط پایانی بر این دشمنی نهاد. او غضب خدا را فرونشاند، و میان ما صلح ایجاد کرد.

حالا، به جای دشمنی با خدا، فرزندان دلبند او، و شهروندان وفادار پادشاهی‌اش هستیم. این بدان معناست که هرگز نباید از خدا همچون دشمن بترسیم. دیگر لزومی ندارد فکر کنیم که او می‌خواهد نابودمان کند. زندگی ما در مسیح مستور است، و به این ترتیب همان صلحی که میان خدای پدر و خدای پسر برقرار است، میان ما و خدا نیز به وجود آمده است. این نوع صلح و آرامش قلب ما را به ستایش، دست‌های‌مان را به عمل کردن و افکارمان را به شناخت بیشتر و بیشتر خدای بزرگ‌مان، وا می‌دارد.

به گفته پولس در این مورد در کولسیان ۱: ۱۹-۲۲ گوش دهید:

خشنودی خدا در این بود که با همه کمال خود در او [عیسی] ساکن شود، و به واسطه او همه چیز را... با خود آشتی دهد، به وسیله صلحی که با ریخته شدن خون وی بر صلیب پدید آورد. شما نیز زمانی بیگانه با خدا، و در افکار خویش دشمن او بودید، و این در اعمال شریانه شما پدیدار می‌گشت. اما اکنون او شما را به واسطه بدن بشری مسیح و از طریق مرگ او آشتی داده است؛ تا شما را مقدس و بی‌عیب و بری از هر ملامت به حضور خود بیاورد (کولسیان ۱: ۱۹-۲۲، هزاره نو).

به نظرم موضوع «صلح بین ما و خدا» خیلی خیلی روشنه. پس چرا اون فرزندانش، ایماندارن، رو تنبیه میکنه؟ یه دلیل ساده، محبت اون نسبت به ماست. معنی صلح با خدا اینه که ارتباط بین ما دوباره برقرار شده. ما آفریده شدیم تا خدا رو بشناسیم، او رو خدمت، محبت و اطاعت کنیم و صمیمانه با او دوستی برقرار کنیم. گناه، ما رو از این هدف جدا میکنه. نجات بَرَمون میگردونه - صلح، آشتی و همه تصاویری که نشوندنده نجات هست - تا اینکه ارتباطی با خدا برقرار کنیم. وقتی مرتکب گناه میشیم، اونقدر دوستمون داره که نزاره به راه خودمون بریم. ما رو به طرف خودش میکشه. تنبیه موم میکنه. منظورم، تصویر پدر و فرزندى هست که کلام خدا به دست میده. اگر من بزارم بچه‌هام به خودشون آسیب برسونن یا خلاف مقرراتی باشه که وضع کرده‌ام، مراقبشون نیستم، دوستشون ندارم. پدر آسمانی ما، به وسیله خداوند عیسی مسیح، ما رو تنبیه میکنه تا اینکه شبیه مسیح بشیم. این برای خوبی خودمون هست. اگر تنبیه خدا رو تجربه نکنیم، باید نگران بشیم. تنبیه چیز بدی نیست؛ خوبه و نشون دهنده محبت خدا نسبت به فرزندانش هست.

- دکتر استفن ولوم

صلحی که با خدا یافته‌ایم باید دل ما را وا دارد تا خدا را با صدای بلند بستاییم و از لطف بزرگ او در حق مان، شکرگزاری کنیم. باید به ما الهام ببخشد تا در دعا درباره خدا و شخصیت او سخن بگوییم. باید انگیزه‌ای بدهد تا بر اعمال عظیم او در زندگی مان تأمل کنیم، و راه‌های جدیدی برای ابراز محبت و اطاعت از او بیابیم. باید ما را مشتاق به دلگرمی دادن به اطرافیان مان کند تا صلح و آرامی‌ای که ایمانداران با خدا دارند به یادشان بیاوریم، و اینکه بی‌ایمانان هم می‌توانند در صورت آشتی با خدا به این صلح دست پیدا کنند.

صلح با خدا باید دست‌های ما را نیز به حرکت درآورد. باید با سایر انسان‌ها نیز صلح برقرار کنیم. باید برکات ناشی از پادشاهی صلح‌آمیز خدا را به شکل عدالت اخلاقی و اجتماعی، و مراقبت از نیازمندان به نمایش بگذاریم. باید به دل‌شکستگی که فاقد صلح و برکت در زندگی هستند، تسلی و مشورت بدهیم.

و صلحی که در خدا داریم باید به ما این انگیزه را نیز بدهد تا بیشتر و بیشتر خدای عظیم و منجی مان را بشناسیم و درک کنیم. کلام او به ما می‌گوید ذهن مان را با طرز فکر خدا هم‌نوا کنیم و فکری مانند فکر او بیابیم. در کفایت او آسوده باشیم، و بدون نگرانی از اینکه مبدا خدا ما را در این دنیا به حال خود رها کند، با دانستن محبت و توجهی که به ما دارد، اطمینان مان را به او حفظ کنیم.

دومین خدمت کهناتی کاربردی عیسی در رابطه با آشتی، ظهور یگانگی و اتحاد میان قوم خداست.

## یگانگی

یکی از مطالبی که مکرراً در عهد جدید ظاهر می‌شود، این است که دوست‌داران خدا، کسانی را که خدا محبت می‌کند، دوست می‌دارند. همان طور که در اول یوحنا ۴: ۲۱ می‌خوانیم:

هر که خدا را محبت می‌نماید، برادر خود را نیز محبت بنماید. (اول یوحنا ۴: ۲۱)

وقتی خدا با کسی آشتی می‌کند، ما نیز باید با آن شخص آشتی کنیم.

به همین دلیل است که پولس رسول مصرانه از خوانندگان نامه‌هایش می‌خواهد تا عطای بزرگ آشتی را که از خدا گرفته‌اند، بشناسند، و در اتحاد با سایر ایمانداران آن را ابراز کنند. در کلیسای اولیه، او اغلب این طرز فکر را در مورد روابط پرتنش میان یهودیان و غیریهودیان در کلیسا به کار می‌برد.

به گفته‌های او در افسسیان ۲: ۱۳-۱۶ گوش دهید:

اما اکنون در مسیح عیسی، شما که زمانی دور بودید، به‌واسطه خون مسیح نزدیک آورده شده‌اید... بدین قصد که از آن دو [یهودیان و غیریهودیان] یک انسان نوین آفریده، صلح پدید آورد، و هر دو گروه را در یک بدن با خدا آشتی دهد، به‌واسطه صلیب خود که بر آن دشمنی را کشت (افسسیان ۲: ۱۳-۱۶، هزاره نو).

همین تاکید بر یگانگی و اتحاد را در قسمت‌هایی مانند یوحنا ۱۷: ۲۳، رومیان ۱۵: ۵، و افسسیان ۴: ۳-۱۳ پیدا می‌کنیم.

کلیسای امروز به ندرت با مشکل خاص روابط درست میان یهودیان و غیریهودیان روبروست. ولی ما مشکلات زیاد مشابهی داریم. با کینه‌های نژادی، قومی و ملی میان ایمانداران در کشمکش هستیم. و خدمت آشتی عیسی می‌تواند به ما در پیگیری یگانگی در این زمینه‌ها کمک کند. همه ما با خدا و با همدیگر از طریق اتحادمان با مسیح، آشتی داده شده‌ایم. این اتحاد و یگانگی باید در روابطمان در کلیسا نشان داده شود. باید ما را وادارد تا هدف خدا در مورد یک کلیسای متحد را محترم بشماریم و دنبال کنیم، هر چند گاهی مجبور به کنار گذاشتن وجوه تمایز میان خود و دیگران شویم.

غیر از صلح و یگانگی، کاربرد سومی که از خدمت کهنانی آشتی‌دهنده مسیح می‌توانیم استخراج کنیم، ماموریتی است که به ما سپرده شده تا در جهان آشتی ایجاد کنیم.

### ماموریت

خدمت کهناتی آشتی عیسی هنوز تکمیل نشده است. قربانی او بهای آشتی را پرداخت و آن را تضمین کرد. اما آن آشتی هنوز در همهٔ جهان به کارگرفته نشده است. پس در این مرحله از تاریخ، عیسی کلیسا را تعیین کرده تا خدمت آشتی او را به پیش ببرد. ما سفیران آشتی او هستیم. کار ما اعلام انجیلی است که گناهکاران را با خدا آشتی می‌دهد. توجه کنید که چگونه پولس ماموریت ما را در دوم قرن‌تیا ۵: ۱۸-۲۰ توصیف می‌کند:

خدا... به واسطهٔ مسیح ما را با خود آشتی داده و خدمت آشتی را به ما سپرده است. به دیگر سخن، خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می‌داد و گناهان مردم را به حساب‌شان نمی‌گذاشت، و پیام آشتی را به ما سپرد. پس سفیران مسیح هستیم، به گونه‌ای که خدا از زبان ما شما را به آشتی می‌خواند. ما از جانب مسیح از شما استدعا می‌کنیم که با خدا آشتی کنید (دوم قرن‌تیا ۵: ۱۸-۲۰، هزارهٔ نو).

پیشنهاد آشتی خدا پیوسته خدمتی حیاتی برای کلیساست. پولس به قرن‌تیا می‌گوید که خدا ما را به واسطهٔ مسیح با خود آشتی داده است، و همچنان به آشتی دادن جهان با خودش ادامه می‌دهد. مسئولیت ما به عنوان پیروان مسیح، اعلام این پیام به دیگران است تا آنها هم به واسطهٔ عیسی با خدا آشتی کنند. این کار را در درجهٔ اول با اعلام این خبر خوش انجام می‌دهیم که به واسطهٔ زندگی، مرگ، قیام و صعود مسیح، گناهکاران می‌توانند با خدا آشتی کنند.

پس از بررسی خدمت کهناتی قربانی و آشتی عیسی، اکنون به کاربرد امروزی شفاعت کهناتی عیسی می‌پردازیم.

### شفاعت

کاربرد امروزی شفاعت کهناتی عیسی را تحت دو عنوان بررسی می‌کنیم. اول، خواهیم دید که شفاعت او ما را قادر می‌سازد تا درخواست‌های مان را نزد خدا بیاوریم. و دوم، می‌بینیم که شفاعت مسیح ما را متعهد می‌کند تا مدافع سایر افراد باشیم. بیایید اول ببینیم چگونه قادر به طرح درخواست‌ها و احتیاجات مان نزد خدا می‌شویم.

### فرجام‌خواهی

همان طور که قبلاً دیدیم، عیسی با یادآوری قربانی شدنش به جای ما، در حضور خدای پدر برای مان شفاعت می‌کند، و از پدر می‌خواهد ما را ببخشد و بنابر این قربانی برکت مان دهد. چون پدر، پسر را دوست دارد و

قربانی او را ارزشمند می‌داند، به شفاعت پسر برای ما جواب مثبت می‌دهد. او درخواست‌ها یا فرجام‌های کهنانی مسیح را می‌شنود و مستجاب می‌کند، تا آموزش، تقدیس، حیات و هر برکت دیگر نجات، پیوسته شامل حال ما شود. یکی از مفاهیم آن، این است که می‌توانیم هر روز نیازهای مان را نزد پدر ببریم، و بدانیم که او به دعا‌های مان گوش می‌دهد چون کاهن اعظم بزرگ ما برای مان دعا می‌کند. این موضوع را در افسسیان ۳: ۱۲، عبرانیان ۱۰: ۱۹ و بسیاری قسمت‌های دیگر می‌بینیم.

به عنوان مثال، به عبرانیان ۴: ۱۴-۱۶ گوش دهید:

پس چون رئیس کهنه عظیمی داریم که از آسمان‌ها در گذشته است یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف خود را محکم بداریم. زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعف‌های ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما بدون گناه. پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیابیم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت [ما را] اعانت کند. (عبرانیان ۴: ۱۴-۱۶)

همان‌طور که نویسنده عبرانیان اشاره می‌کند، عیسی «از آسمان‌ها در گذشته است». یعنی، با خون خود به مکان مقدس آسمانی وارد شده تا برای ما شفاعت کند. و به خاطر شفاعت او، می‌توانیم مطمئن باشیم که لطف خدا شامل حال مان شده و وقتی دعا می‌کنیم، فیض و رحمت او را با خود داریم.

می‌توانیم درخواست‌مان را در برابر آفریننده همه چیزها در مورد نیازهای مان، چه نیازهای عمیق بخشایش و نجات، و چه دعا‌های معمول برای غذای روزانه، پوشاک و سرپناه مطرح کنیم. هیچ نیازی آن قدر کوچک نیست که از میدان توجه شفاعت مسیح به خاطر ما، بیرون بماند. و هیچ نیازی آن قدر بزرگ نیست که قربانی او ارزش دربرگرفتن آن را نداشته باشد. به همین دلیل، باید دلگرم باشیم و با شهامت و اطمینان به دعا‌های مان، درخواست‌هایی که برای برطرف شدن نیازهای مان و استقرار عدالت داریم را نزد پدر مهربان آسمانی مطرح کنیم.

با درکی که از حق و اطمینان اجابت درخواست‌های مان از خدا، به خاطر شفاعت مسیح یافته‌ایم، بیایید ببینیم شفاعت او چگونه برای دفاع از سایرین به ما دلگرمی می‌دهد.

## مدافع

با وساطتی که عیسی برای ما انجام می‌دهد، چه لزومی دارد تا به خودمون زحمت دعا کردن برای دیگران رو بدیم؟ به نظرم دلیل اصلی اون، دو کلمه است - «مرا پیروی کن». اگر عیسی وساطت می‌کنه، و می‌گه ازش پیروی کنیم، یعنی می‌خواه ما هم وساطت کنیم. من معتقدم که دعا‌های ما اثرگذاره. همینطور معتقدم و فکر میکنم تعلیم کلام

اینه که نه تنها دعاهای ما مؤثر هستن، بلکه زمانی میرسه که دعا نمیکنید و به همین دلیل چیزهایی انجام نمیشه. پس، آیا به دعا ایمان داریم؟ بله. اما چرا؟ چون عیسی گفت: «از من پیروی کنید»، و او دعا میکرد.

- دکتر مت فریدمن

یکی از درس‌های مهم شفاعت آسمانی مسیح این است که باید با درخواست برای دیگران در دعا، از نمونه او پیروی کنیم. محبت و توجه ما به دیگران باید انگیزه‌ای باشد تا از طرف آنها با خدا صحبت کنیم، و از او بخواهیم در هر شرایطی که هستند، رحمت و محبتش را به آنها نشان بدهد.

به نوشته پولس در افسسیان ۶: ۱۸ گوش دهید:

و با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام به جهت همه مقدسین بیدار باشید. (افسسیان ۶: ۱۸)

در اینجا، پولس از ایمانداران می‌خواهد تا از طرف دیگران به حضور خدا بروند. البته، هر وقت این کار را می‌کنیم، دفاعیه ما بر مبنای قربانی مسیح به خاطر آنهاست، درست مانند دفاعیه عیسی از ما.

وقتی با خودم میگم، چرا عیسی دعا میکنه، او که نیازهای من رو میدونه و درکشون میکنه، پس چرا باید برام شفاعت کنه؟ باید چیزی در اساس شفاعت وجود داشته باشه که گویای و نمونه قلب خداست، و اون اینه که او تحمل میکنه و بر دوش میگیره. در زندگی مجسم شده خداوند، در حیات تثلیث مقدس، تحمل و عشقی برای دریافت نیازهای بشریت وجود داره. این پایه صلیب، اساس راه رفتن با عیساست. پس خداوند این رو به صورت یک فرمان به من میگه، چون میخواد حقیقت رو بشناسم، و همینطور میخواد به من فرصت حمل بار یک نفر دیگه رو در قلبم بده. اگه بخوام طور دیگه‌ای بگم، جواب نیاز هر فرد در شخص دیگه پیدا میشه. اجابت همه نیازهای ما البته در قلب عیسی پیدا میشه. اما او ما رو شبیه خودش میکنه و صدامون میکنه تا شاگردانش باشیم، او گفت میخوام شما هم دیگران رو حمل کنید. میخوام مثل کاهنان اسرائیل، شما هم کاهن باشید. میخوام در قلبتون مثل هارون، دیگران رو حمل کنید. میخوام مثل من، نیازهای همه دنیا رو در قلبتون حمل کنید. پس شفاعت، نشون دهنده قلب خود خداست.

- دکتر بیل اوری

دعاهای حامیانه شفاعتی برای همه جوانب زندگی کاربرد دارد. مثلا در متونی مانند رومیان ۱۵: ۳۰؛ افسسیان ۶: ۲۰؛ کولسیان ۴: ۴؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۵؛ و عبرانیان ۱۳: ۱۹، تشویق می‌شویم تا برای موفقیت خدمات مسیحی دعا کنیم.

در اول یوحنا ۵: ۱۶، تعلیم می‌یابیم تا برای کسانی که در مخاطره روحانی یا گناه می‌افتند، دعا کنیم. بر اساس تعلیم عیسی در متی ۶: ۱۳، و نمونه او در لوقا ۲۲: ۳۲، باید دعا کنیم تا دیگران از وسوسه محفوظ بمانند. و باید برای سلامتی آنها دعا کنیم و از خدا بخواهیم زخم‌های جسمی و فکری آنها را شفا دهد. به دستورالعمل یعقوب ۵: ۱۴-۱۶ گوش دهید:

و هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند. و دعای ایمان، مریض را شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزانید، و اگر گناه کرده باشد، از او آمرزیده خواهد شد. نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید، زیرا دعای مرد عادل در عمل، قوت بسیار دارد. (یعقوب ۵: ۱۴-۱۶)

تعلیم یعقوب این است که وقتی در نام خداوند برای دیگران استدعا می‌کنیم، یعنی در حین شفاعت به خدا یادآور می‌شویم که آنها متعلق به مسیح هستند، خداوند به استدعای ما با نظر لطف می‌نگرد و درخواست ما را اجابت می‌کند. به همین دلیل باید کاملا از این امتیاز استفاده کنیم و مرتبا مدافع نیازمندان باشیم.

من به قدرت مطلق خدا اعتقاد محکمی دارم. کاملا معتقدم که عیسی مسیح همین حالا برای من و همه ایمانداران در برابر تخت پدر شفاعت می‌کند. کاملا اطمینان دارم که هرچی نیاز دارم در مسیح هست. پس، چه اشکالی دارد اگر در دعا برای کسانی که میدونم نیازمندند، شفاعت نکنم؟ توجه کنید، هیچکس وقتی خودش محتاج میشه، چنین سوالی نمیپرسه. برای من شرایطی پیش اومد که نیاز شدیدی داشتم. شرایطی که زندگی، از لحاظ پزشکی، در خطر بزرگی افتاده بود. میدونستم که دعای ایمانداران اهمیت دارد. میدونستم که دعای برادران و خواهرانم در مسیح، نقش مهمی در زندگی داره. ایمان و اعتماد نهایی من به خدای قادر مطلق و مسیح پرجلاله، اما وفاداری ما به مسیح مستلزم انجام دستورات اوست، پس باید برای ایمانداران دعا کنیم. یک دلیل اهمیت اون رو میدونم. وقتی برای کسانی که میدونم نیازی دارن دعا میکنم، مسیحی وفادارتری هستم.

- دکتر ر. آلبرت موهلر



و البته، باید در مورد امور روزانه زندگی مدافع دیگران باشیم. مثلاً، همان‌طور که برای نان روزانه‌مان دعا می‌کنیم باید مدافع سایرین هم باشیم و از خدا بخواهیم احتیاجات روزانه‌شان را رفع کند. باید از او بخواهیم هرگونه برکتی را، اعم از سلامتی، تامین کاری، و موفقیت در روابط، از قومش دریغ نکند. وقتی شرایط زندگی بر قلب‌مان سنگینی می‌کند، از خدا بخواهیم تا به کمک‌مان بشتابد. به همین ترتیب، برای نیازهای دیگران چه کوچک باشند، چه بزرگ، باید خود را ملزم به دعا کردن بدانیم.

مردم اغلب از معمای دعا سردرگم می‌شوند. چرا باید دعا کنیم؟ اگر خدا همه چیز رو میدونه، و عیسی مشغول شفاعت هست، دیگه چرا ما باید دعا کنیم؟ آیا بدون دعا و شفاعت ما برای دنیا و برای دیگران، چیزی از دست میره یا خسارتی به بار میاد؟ به نظرم جواب این سوال مثبت، خسارتی به بار میاد و دلیلش اینه: اول از همه، شفاعت نکردن ما، ناطاعتی از خداست چون او به ما فرمان داده تا دعا کنیم. اگر نسبت به او اعتماد و محبت داریم، دعا خواهیم کرد. دوم، خدا نه تنها به ما فرمان داده تا دعا کنیم، بلکه به نوعی در بین این معما، او دعای مقدسین رو در شفاعت عیسی جا میدهد. این تصویر در کتاب مکاشفه از بخوری که از دعای مقدسین در حضور خدا بلند میشه، من رو تکون میدهد. انگار اگر دعا نکنیم، رابطه ما با خدا هم خدشه‌دار میشه، از این نظر که خدا می‌خواهد در کارهایی که در جهان میکنه، ما هم دخالت داشته باشیم. پس ما رو به رابطه‌ای عمیق‌تر و کامل‌تر می‌خونه تا خودمون رو همکاران او بدونیم، همون‌طور که پولس خودش و دیگران رو با شفاعت برای جهان، همکاران خدا در کارهایی می‌خونه. پس ارتباط ما با خدا خدشه‌دار میشه. سوم، مهم‌ترین قسمت معما اینجاست. خدا به نوعی تصمیم داره تا جهان رو نه با عمل کردن از بیرون اون، بلکه با به وجود آوردن قدرت فیضش از بین آفریدگان، نجات بده. پس وقتی با عیسی به شفاعت مشغول میشیم، لزومی نداره فکر کنیم باید با تلاش و کوشش خدا رو مجاب به انجام کاری کنیم که علاقه‌ای به اون نداره، یا باید چیزی به دعاهای عیسی اضافه کنیم. بلکه باید بیشتر این نگرش رو درباره شفاعتمون برای جهان و سایرین داشته باشیم. ما به وسیله دعاهمون سعی داریم جهان و دیگران رو به مکانی بکشونیم که خدا می‌خواهد اونجا باشن، تا برکت و فیض خودش رو بر اونها بیارونه. پس، بله، در این نقشه اسرارآمیز خدا، اگر ما دعا نکنیم چیزی از دست میره، چون او در میان آفرینش، فرزندان رهایی یافته‌اش رو نه تنها برای انتظار نجات نهایی شون قرار داده، بلکه می‌خواهد اونها همین حالا با دعاهاشون مشغول به کشیدن و جذب کردن جهان و سایرین به مکانی باشن که خدا بتونه اونها رو نجات ببخشه.

- دکتر استیو بلیک‌مور

## نتیجه‌گیری

در این درس به پیشینهٔ مقام عیسی در عهد عتیق نگاهی انداختیم و دیدیم که خدا کاهنان را تعیین کرد تا قوم خدا را برای ورود به حضور خاص و قدوس او آماده و هدایت کند تا برکت یابند. همچنین دیدیم چگونه عیسی این مقام را در عهد جدید، محقق کرد و کاهن اعظم بزرگ ما شد. بعضی از راه‌های کاربردی اصول خدمت کهانت مسیح در زندگی روزمرهٔ جهان امروز را نیز بررسی کردیم.

عیسی مقام کتاب‌مقدسی کهانت را تماماً به انجام رسانید. او به عنوان کاهن اعظم بزرگ ما، مشغول آماده کردن ما برای زندگی در حضور قدوس خداست تا برکات حیرت‌انگیز الهی نصیب‌مان شود. این برکات فقط مربوط به آینده نیستند. به واسطهٔ قربانی و شفاعت عیسی، پدر مشتاق است تا همین حالا بیعانهٔ زندگی جاویدان را در جهان امروز به ما بدهد. به همین دلیل، پیروان مسیح باید به خاطر خدمت کهانتی عیسی شادی کنند و مشتاق روزی باشند که به واسطهٔ شخص عیسی، به حضور خاص خدا در آسمان‌ها و زمین جدید به گرمی پذیرفته شوند. همچنین باید به خدمت کنونی مسیح به عنوان کاهن اعظم بزرگ‌مان که هم‌اکنون از طرف ما در صحن‌های آسمانی شفاعت می‌کند، توکل کنیم و از آن بهره‌مند شویم.